



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)
Razi University, Vol. 9, Issue 2 (34), Summer 2019, pp. 125-146

Review of Ghadir Event in Two *Ghadiryeh* by Ahmad Mohamad Al Shami and Adib Al Mamalek Farahani

Masoomeh Nemati Ghazvini¹

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, The Research Center of Human Sciences and Cultural Studies, Tehran, Iran

Leyla Jadidi²

M.A. graduate of Arabic Language and Literature, The Research Center of Human Sciences and Cultural Studies, Tehran, Iran

Received: 02/19/2019

Accepted: 05/18/2019

Abstract

The review of important historical and particularly religious events is among the interesting subjects of Muslims poets. Ghadir Khom events is one of the most important historical events that has been reviewed and analyzed in many contemporary poets. This inquiry first introduces two Arabic and Persian Shiite poets, Ahmad Mohamad Al Shami and Adib Olmamalek Farahani, they have been evaluated on their attitude toward this important events. The findings of this research that has been done in the framework of American comparative literature school in the descriptive-analytic method, to indicate that both poets have emphasized on the necessity of following Muslims rulers from Imam Ali's political life dimension. Beside the review of this events consider some important events of Imam Ali time that been have presented in their poems to the king of their time. The findings also show some differences and similarities in their poems. The most important similar aspects of the two poems are the lyric introduction to cite Quran and Ahadith. As a difference between the two poems it can be said that Ahmad Shami has focused his attention more on the Imam Ali's personality and his attributes and also on the events before and after Ghadir event and less on its details; it is while that Adib Olmamlek has risen it with more details and has indicated less to the other events.

Keywords: Ritual Poem, Comparative Literature, Ghadir, Ahmad Mohamad Al Shami, Adib Olmamalek Farahani.

1. Corresponding Author's Email:

m.nemati@ihcs.ac.ir

2. Email:

leilajadidi89@yahoo.com



کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، دوره نهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۴)، تابستان ۱۳۹۸، صص. ۱۲۵-۱۴۶

بازخوانی واقعه غدیر در دو غدیریة احمد محمد الشّامی و ادیب الممالک فراهانی

معصومه نعمتی قزوینی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

لیلا جدیدی^۲

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۸

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰

چکیده

بازخوانی رویدادهای مهم تاریخی و به ویژه مذهبی، از جمله موضوعات مورد توجه شاعران مسلمان است. واقعه غدیر خم، یکی از مهم ترین این رویدادهای تاریخی است که در شعر بسیاری از شاعران معاصر بازخوانی و تحلیل شده است. جستار پیش رو ضمن معرفی دو شاعر شیعه عرب و فارس، یعنی احمد محمد شامی و ادیب الممالک فراهانی، نحوه نگرش آن دو را نسبت به این رویداد مهم سنجش و ارزیابی کرده است. یافته های پژوهش که در چارچوب مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، بیانگر آن است که هر دو شاعر، با هدف تأکید بر لزوم پیروی از حاکمان مسلمان از بُعد سیاسی زندگانی حضرت علی (ع)، ضمن بازخوانی این واقعه در کنار برشمردن برخی حوادث مهم روزگار حضرت علی (ع)، قصیده خود را به پادشاه روزگار خود تقدیم کرده اند؛ همچنین یافته ها نشان دهنده برخی تفاوت ها و شباهت ها در شعر دو شاعر است. مهم ترین شباهت های دو قصیده، مقدمه غزلی و استناد به آیات قرآنی و احادیث است. در مورد تفاوت میان دو قصیده نیز می توان گفت احمد شامی بیشتر توجه خود را به شخصیت حضرت علی (ع) و صفات ایشان و نیز حوادث پیش و پس از واقعه غدیر معطوف کرده و کمتر به جزئیات آن پرداخته است؛ در حالی که ادیب الممالک، حادثه غدیر را با جزئیات بیشتری مطرح کرده و کمتر به حوادث دیگر اشاره کرده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، شعر آیینی، غدیر، احمد محمد شامی، ادیب الممالک فراهانی.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

غدیریه یکی از انواع شعر آیینی است که از دیرباز مورد توجه شاعران متعهد مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفته است. تاریخ سرودن غدیریه به صدر اسلام بازمی‌گردد، همان زمانی که برای نخستین بار، حسان بن ثابت انصاری^(۱)، شاعر نامدار عرب به اذن رسول خدا (ص) برخاست و واقعه غدیر را به نظم درآورد (ر.ک: امینی نجفی، ۱۹۶۷، ج ۲: ۳۴) شاعران متعهد در طول تاریخ، برای جاودانه کردن این واقعه و نیز با هدف نشر و ترویج آموزه‌های شیعی که بی‌شک اوج آن در سیره درخشان علوی تجلی یافته، به سرودن غدیریه‌ها روی آوردند.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

پژوهش حاضر درصدد است تا نگاه دو شاعر شیعه ایرانی و عرب را به این واقعه تحلیل و بررسی کند. بدین منظور، قصیده «یوم الغدیر» از دیوان احمد محمد شامی^(۲) و چکامه «غدیریه» از دیوان ادیب الممالک فراهانی^(۳) برای تحلیل و مقایسه برگزیده شد. هدف نوشتار پیش رو تحلیل مقایسه‌ای نوع نگاه دو شاعر مسلمان با دو ملیت متفاوت به رویداد غدیر خم و نیز بررسی هدف دو شاعر از سرودن غدیریه است.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

– احمد محمد شامی و ادیب الممالک فراهانی، رویداد غدیر را چگونه و با چه هدفی در شعر خود انعکاس داده‌اند؟

– نحوه نگرش دو شاعر به واقعه غدیر چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

جستجوهای مؤلفان در انواع کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش مستقلی پیرامون اشعار احمد محمد شامی چه در ایران و چه در خارج از ایران صورت نگرفته است؛ تنها امیری (۱۳۸۹) حدود پنج صفحه از پایان‌نامه‌اش را به زندگی احمد محمد شامی اختصاص داده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر می‌تواند افزون بر تبیین دیدگاه این شاعر درباره غدیر، زمینه‌ای برای معرفی بهتر و دقیق‌تر یکی از شاعران متعهد عرب به علاقه‌مندان ادبیات آیینی عربی نیز باشد.

در مورد شعر ادیب الممالک نیز اگرچه پژوهش‌های انجام شده، اما هیچ‌یک ارتباطی به موضوع نوشتار پیش رو ندارند. تنها اثری که تا حدودی به موضوع این پژوهش نزدیک به نظر می‌رسد، نظری (۱۳۸۹) است. این اثر، اندیشه دینی در شعر ده تن از شاعران شاخص مشروطه از جمله ادیب الممالک فراهانی را بررسی کرده است. نویسنده در آن به‌طور مختصر (تنها پنج صفحه) اندیشه دینی در شعر ادیب الممالک را

بررسی کرده که البتّه هیچ اشاره‌ای به غدیریّه وی نداشته است. در ارتباط با واقعه غدیر در اشعار شاعران نیز اگرچه پژوهش‌هایی صورت گرفته، اما تاکنون تحلیلی درباره غدیریّه شاعران برگزیده این مقاله چه به صورت جداگانه و چه مقایسه‌ای، صورت نگرفته است.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

در جستار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا مضامین اصلی و مرتبط با واقعه غدیر در هر دو قصیده استخراج و تحلیل شده و سپس مضامین ضمنی موجود در قصاید نیز به طور مختصر بیان می‌شود. در پایان نیز ضمن مقایسه اشعار و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها، نتایج به دست آمده ارائه خواهد شد.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. واقعه غدیر خم

اعلام وصایت، خلافت و ولایت حضرت علی (ع) از همان آغاز دعوت علنی پیامبر (ص) در واقعه «یوم الدار» صورت گرفت؛ پس از آن نیز این مسئله مهم و سرنوشت‌ساز بارها از زبان پیامبر خدا (ص) اعلام شد و آیات قرآن در شأن حضرت امیر (ع) و فضایل آن حضرت و اهل بیت (ع) نازل شد. واقعه غدیر در واقع روز اعلام رسمی و علنی این مسئله بود که در حضور بیش از صد هزار مسلمان حاضر در غدیر خم اتفاق افتاد. (ر.ک: مجلسی، بی تا، ج ۳۷: ۱۰۸) پیامبر اکرم (ص) در سال دهم هجرت در راه بازگشت از آخرین سفر خود به خانه خدا، یعنی «حجّة الوداع»، آخرین وظیفه خود را که همان اعلام ولایت بود، به سرانجام می‌رساند؛ در روز هجدهم ذی‌الحجّه زمانی که کاروانیان به برکه‌ای به نام «غدیر خم» می‌رسند؛ جبرئیل امین، آیه ۶۷ سوره مائده را از جانب خداوند متعال بر رسول اکرم (ص) ابلاغ می‌کند و این اطمینان را به پیامبر می‌دهد که او را از گزند کافران در امان نگاه دارد. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده/ ۶۷) (ترجمه: ای پیامبر، آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (گزند) مردم حفظ می‌کند. خداوند کافران را هدایت نمی‌کند.)

پس از این فرمان الهی، پیامبر (ص) دستور داد تا همه مسلمانان جمع شوند و پس از آن خطبه بلیغی ایراد کرد و مردم را اندرز داد و از گناه نهی کرد؛ سپس با چند پرسش از مردم درباره اعتقاد آنان به حقانیت خویش، ولایت حضرت علی (ع) را اعلام نمود. هنوز جمعیت پراکنده نشده بود که امین وحی الهی این آیه را فرود آورد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ (مائده/ ۳) (ترجمه: امروز دینتان را برایتان کامل گردانیده و نعمتم را برایتان به اتمام رسانیدم). آنگاه مردم شروع به تبریک و تهنیت گویی به امیرالمؤمنین (ع) کردند (ر.ک: ابن کثیر، ۱۹۸۶، ج ۵: ۲۱۰-۲۱۵؛ بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۲: ۱۰۸-۱۱۱؛ امینی نجفی، ۱۹۶۷، ج ۱:

(۱۲-۹).

۲-۲. بازتاب رویداد غدیر خم در شعر دو شاعر

۲-۲-۱. بازتاب رویداد غدیر خم در شعر احمد محمد شامی

غدیریۀ شامی از ۷۸ بیت در بحر رمل (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) تشکیل شده است. این بحر که در ادبیات فارسی و عربی مشترک است، از لحاظ کاربرد، در زمره وزن‌های متوسط شعر عربی است و در موضوعاتی مانند فخر، حماسه، هزل و موشحات (ر.ک: حسنی، ۱۳۸۳: ۲۳) و نیز مفاهیم عاطفی مانند اندوه یا شادی (ر.ک: مدرسی، ۱۳۸۴: ۷۲) به کار می‌رود. از آنجا که واقعه غدیر از نگاه شاعر، رویداد بسیار مهم، شگرف و سرورآفرینی است، شاعر بحر رمل را برای بازخوانی آن برگزیده است که هم جنبه حماسی دارد و هم جنبه شادمانی سخش را هم‌زمان به مخاطب عرضه می‌کند. شاعر این قصیده را در جشن باشکوهی که در ۱۸ ذی‌الحجه به مناسبت تاج‌گذاری شیخ احمد^(۴) پادشاه یمن برگزار شده بود، سروده است. موضوعات این قصیده را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: ۱. پرداختن به موضوع غدیر؛ ۲. اشاره به صفات حضرت علی (ع) و ۳. مدح شیخ احمد.

۲-۲-۱-۱. استهلال یا مقدمه غزلی برای ورود به بحث غدیر

شاعر در سیزده بیت نخست، شیخ احمد را مورد خطاب قرار داده و ضمن ویژه قلمداد نمودن چنین روزی، او را به برخاستن و اشک ریختن بر مناقب امام علی (ع) فرامی‌خواند:

۱. قُمْ فَهَذَا الْيَوْمَ يَوْمَ الذِّكْرِيَاتِ	يَوْمٌ وَحْيِ الشَّعْرِ، يَوْمُ الْمُعْجَزَاتِ
۲. هَاتِ مَا عِنْدَكَ مِنْ سِحْرِ، وَمِنْ	أَدَبٍ فُلْدٍ، وَآيِ بَيْنَاتِ
۳. وَاسْكُبِ الدَّمْعَ إِذَا شِئْتَ فَقَدْ	يَسْتَلِدُّ الدَّمْعَ ذِكْرُ الْمَكْرَمَاتِ

(شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۷۶)

(ترجمه: ۱. برخیز امروز روز خاطره‌هاست، روز الهام شعر، روز معجزه‌هاست. ۲. از جادو، ادب منحصر به فرد و نشانه‌های روشنی که نزد توست به من بده. ۳. اگر خواستی اشک بریز، زیرا ذکر بزرگواری‌ها اشک را جاری می‌کند.)

بیت اول، با فعل امر «قُمْ» آغاز شده و مخاطب را به برخاستن از جای فرامی‌خواند. این آغاز نشان‌دهنده قصد شاعر برای مطرح کردن امری خطیر در شعر است. شاعر در این بیت، روز غدیر را روز معجزات برشمرده است و این نشان می‌دهد از نگاه وی، رویداد غدیر از لحاظ اهمیت و جایگاه در زمره معجزات الهی است؛ سپس در بیت دوم، با الهام از آیات ۱۰۵-۱۱۷ سوره اعراف^(۵) که به داستان اجتماع جادوگران در برابر حضرت موسی (ع) اشاره دارد، از مخاطب می‌خواهد که اگر با عقیده او درباره غدیر مخالف است، هر قدر

که سحر و قریحه ادبی و دلایل روشن دارد، ارائه دهد؛ مانند حضرت موسی (ع) که از جادوگران فرعون خواست تا تمام توان خود را در جادوگری به کار گیرند و با معجزه الهی او مبارزه کنند. در بیت سوم نیز به مخاطب یادآور می شود که بزرگواری های امام علی (ع)، به قدری است که ذکر آن، اشک شوق و حسرت را از چشمان انسان جاری می سازد؛ سپس حالت هایی را که ممکن است بر اثر خواندن سرگذشت حضرت علی (ع) بر مخاطب عارض شود، شرح می دهد و به او می فهماند که آگاهی از مصائب ایشان گاهی لبخند و گاهی خشم را برای او به ارمغان خواهد آورد:

۱. أَوْ تَرَمَّ سَاخِرًا أَوْ بَاسِمًا زُبْمًا تَضْحَكُ أَدَهَى الْأَزْمَاتِ
 ۲. وَإِذَا شِئْتُمْ فَتَرُّ مَحْتَدِمًا بِالْقَوَافِي كَالرُّغُودِ الْقَاصِفَاتِ

(همان: ۲۷۶)

(ترجمه: ۱. یا با حالت نیشخند و لبخند بخوان چه بسا سخت ترین مشکلات لبخند می زنند. ۲. و اگر خواستی مانند رعد و برق های کوبنده و غرّنده بر قافیه ها هجوم آور.)

در بخش بعد، شاعر روز غدیر را از درخشان ترین و زیباترین بخش های تاریخ و سیره امیرالمؤمنین علی (ع) راه، راه و روشی جاودانه و براساس حق و حقیقت برمی شمرد که می تواند الگویی برای مردم باشد:

۱. وَالْمَحِ التَّارِيخِ وَأَقْرَأَ صَفْحَةً هِيَ أَعْلَى مَا حَوَى مِنْ صَفْحَاتِ
 ۲. وَهِيَ أَرْهَى دُرَّةً فِي تَاجِهِ وَهِيَ أَجْمَى مَا لَهُ مِنْ حَسَنَاتِ
 ۳. وَهِيَ أَنْقَى سِيرَةَ خَالِدَةٍ عَرَفَ النَّاسُ بِهَا أَسْمَى الصِّفَاتِ
 ۴. سِيرَةَ نَامُوسِهَا الْحَقُّ وَفِي هَدْيِهِ سَارَتْ بِعِزِّمْ وَثَبَاتِ

(همان: ۲۷۶)

(ترجمه: ۱. به تاریخ نگاهی بینداز و صفحه ای را بخوان که محتوای آن، ارزشمندتر از چیزی است که صفحات حاوی آن است. ۲. آن صفحه درخشان ترین مروارید تاج تاریخ و برترین حالت زیبایی آن (تاریخ) است. ۳. سرگذشت امام علی (ع)، پاک ترین سرگذشت جاودان تاریخ است که مردم به وسیله آن والاترین ویژگی های انسانی را شناختند. ۴. سرگذشتی که قانون آن حق است و در مسیر هدایتگری با اراده و پایداری حرکت می کند.)

ابیات یادشده گویای مطلبی ژرف است که می تواند یکی از اهداف مهم و اساسی شاعر قلمداد شود؛ مردم هر کشوری خواستار داشتن حکومتی براساس عدالت، رفاه، وحدت و... هستند که البته برای دستیابی به این خواسته ها، به راهبری آگاه و باتجربه نیاز دارند. براساس این، شاعر در لفافه از پادشاه کشورش می خواهد تا بزرگواری ها، عظمت ها و افتخارات حضرت علی (ع) را سرمشق خویش قرار دهد.

شاعر پس از این مقدمه کوتاه، بار دیگر شیخ احمد را مورد خطاب قرار می دهد و از او می خواهد که به پیروی از سیره حق خواهانه و عدالت طلبانه امام علی (ع) که پیش تر یادآوری کرده بود، به حق و عدالت

رفتار کند و از سخنان باطل و ماجراجویی‌ها که زمینه‌ساز لغزش‌ها است، بپرهیزد:

۱. لَمْ تَرَعَنْعَ بِالْأَبَاطِيلِ، وَلَمْ تَصْغِ يَوْمًا لَفُضُولِ التُّرَاهَاتِ
۲. تَجْعَلِ الْحَقَّ مَنَارًا هَادِيًا طَاهِرَ الْأَنْوَارِ قُدْسِي السَّمَاتِ
۳. يَا يِرَاعِي قِفْ قَلِيلًا وَاتَّسِدِ فَاَلْبَطُولَاتُ مَجَالُ الْعَثْرَاتِ

(همان: ۲۷۷)

(ترجمه: ۱. با سخنان بیهوده دچار تزلزل نشو و به سخنان باطل و بیهوده گوش فرانده. ۲. حق را چراغی هدایت‌گر قرار ده که دارای نوری پاک است. ۳. ای رهبر لحظه‌ای بایست و آرام باش زیرا قهرمانی‌ها زمینه لغزش‌ها را فراهم می‌آورد.)

۲-۱-۲-۲. ضایع کردن حق ولایت امام علی (ع) و پیامدهای آن

در پی مطرح‌شدن موضوع خلافت حضرت علی (ع)، با وی مخالفت ورزیدند و طمع جاه و مقام به آنان اجازه نداد تا درمقابل خواست خداوند، سر تسلیم فرود آورند. با این وضع، آنان همواره در عناد و دشمنی با حضرت علی (ع) به توطئه و دسیسه‌چینی می‌پرداختند؛ به این صورت که پس از وفات نبی خدا (ص)، جانشینی ایشان را که به گفته صریح او و آیات قرآن، حق حضرت علی (ع) بود، به دیگری واگذار کردند (ر.ک: اکبری، ۱۳۸۹: ۲۱۵-۲۱۶)

شامی این عدم پذیرش را به ضرر خود مردم می‌داند و عاقبت آن را این‌گونه توصیف می‌کند:

۱. مَا الَّذِي ضَرَّ بَنِي الْإِسْلَامِ لَوْ قَلَّدُوا أَمْرَهُمْ خَيْرَ الْهُدَاةِ
۲. لَوْ تَوَلَّى أَمْرَهُمْ لَانْتَصَرَتْ لَغَةُ الضَّادِ عَلَى كَلِّ اللُّغَاتِ
۳. وَلَعَمَّ الدِّينُ أَصْقَاعَ الدُّنَا وَرَعَى الْحَقُّ جَمِيعَ الْكَائِنَاتِ

(شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۷۸)

(ترجمه: ۱. اگر مسلمانان امور خود را به برترین هدایت‌گر می‌سپردند، چه ضرری متوجه مسلمانان می‌شد؟ ۲. اگر او امور آنان را به دست می‌گرفت، زبان عربی بر همه زبان‌ها پیروز می‌شد. ۳. دین، همه دنیا را فرامی‌گرفت و حق بر همه موجودات حاکم می‌شد.)

شاعر در این بیت‌ها اندوه و حسرت خویش را از عملکرد مسلمانان پس از رحلت پیامبر (ص) ابراز کرده است؛ زیرا آنان با عمل به خواسته خود و نادیده گرفتن توصیه‌های رسول خدا (ص)، در واقع مانع پیشرفت اسلام، زبان عربی و حق و حقیقت شدند. استفهام در بیت اول به چهار هدف به کار رفته که عبارت‌اند از: انکار، حسرت، تعجب و تویخ. انکار از این لحاظ که برای شاعر بدیهی است که خلافت امام علی (ع) نه تنها به ضرر مسلمانان نبوده، بلکه سبب پیروزی و گسترش اسلام نیز می‌شده است. استفهام در بیت نخست همچنین نشان از حسرت و تعجب شاعر از حوادثی دارد که پس از غدیر رخ داد و پیامدهای ناگواری را

رغم زد؛ همچنین نشان‌دهنده سرزنش شاعر نسبت به مسلمانان است که با وجود شایستگی امام علی (ع) و اعلام ولایت و جانشینی وی از طرف خداوند، مانع از خلافت آن حضرت شدند. به کار بردن صیغه تفضیل «خیر» و معرفی امام علی (ع) به مثابه برترین هدایتگران در پایان بیت نیز، تأکیدی بر معانی مترتب بر استفهام است.

۲-۲-۱-۳. اقدامات معاویه پس از خلافت امام علی (ع)

شاعر در ادامه از فتنه‌ای سخن می‌گوید که معاویه آتش آن را برافروخت، معاویه پس از خلافت حضرت علی (ع) تمام تلاش خود را به کار برد تا مقام خلافت را از ایشان زایل کند، بدین منظور در زمان حکومت خویش در پای منبر به لعن و نفرین حضرت پرداخت، جنگ‌هایی تبلیغاتی و نظامی را علیه ایشان به راه انداخته و دستور قتل پیروان و دوستان حضرت علی (ع) را صادر کرد (ر.ک: سائل، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳) از جمله اقدامات دیگر وی در برابر حضرت علی (ع)، خون‌خواهی عثمان بود؛ با وجودی که وی ولی خون عثمان و ذی‌حق در خون‌خواهی نبود و خون‌خواهان شرعی فرزندانش بوده‌اند، اما او این کار را انجام می‌دهد؛ کینه‌های جنگ بدر و احد برای انتقام خون مشرکان قبیله بنی عبد شمس و عزل از حکومت شام، در تصمیم برای خون‌خواهی بی‌تأثیر نبودند (ر.ک: امینی نجفی، ۱۹۶۷، ج ۲۰: ۱۵۴).

احمد شامی نیز به این کینه‌توزی‌ها اشاره کرده و هدف اصلی معاویه را از خون‌خواهی عثمان، انتقام از حضرت علی (ع) برمی‌شمارد:

۱. «يَا ابْنَ هِنْدَ» أَنْتَ قَدْ هَيَّجْتَهَا فَتَنَةً عَمِيَاءَ طَاحَتْ بِالْمُنَاتِ
 ۲. قَمَتَ تَهْدِي بِاسْمِ «عُثْمَانَ» وَمَا تَبْتَغِي إِلَّا انْتِقَاماً لِلنَّزَاةِ

(شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۷۸)

(ترجمه: ۱. ای پسر هند، فتنه‌ای کور به پا کردی که صدها انسان را بر زمین افکند. ۲. تو با بهانه خون‌خواهی عثمان که یاوه‌ای بیش نبود، به پا خواستی درحالی که فقط قصد انتقام داشتی.)

نکته قابل توجه در این دو بیت، نحوه خطاب قرار دادن معاویه است که از دو زاویه قابل بررسی است: اول اینکه شاعر با استفاده از کنیه «ابن هند» به جای «معاویه» در واقع کنایه‌ای به خاندان اموی دارد؛ به عبارت دیگر، اینکه شاعر، معاویه را برخلاف عرف رایج عرب‌ها، با نام مادرش خوانده، برای این است که عمل جنایت کارانه او در قتل حمزه عموی پیامبر (ص) را در ذهن خواننده تداعی کند و نشان دهد مدعیان خون‌خواهی عثمان از چه پیشینه‌ای برخوردار بوده‌اند؛ دوم اینکه شاعر با خطاب قرار دادن معاویه با کنیه «ابن هند» سعی در کوچک‌شمردن و تحقیر شخصیت معاویه را دارد؛ زیرا براساس اسناد تاریخی، مادر وی زن خوش‌نامی بوده است. در بیت بعد نیز به مخاطب هشدار می‌دهد که کینه‌توزی و دشمنی شخصی معاویه،

چه فتنه‌هایی را به پا کرد که در پی آن خون‌های بسیاری ریخته شد.

شاعر در ادامه روی سخنش را به معاویه کرده و به او هشدار می‌دهد که اقدامات فریب‌کارانه‌اش از چشم ناقدان و تاریخ‌نگاران پنهان نمی‌ماند. شاعر در بیت دوم نیز معاویه را به سبب سیاست‌های خرابکارانه‌اش که موجب خواری و تفرقه مسلمانان شد، سرزنش می‌کند:

۱. قَدْ خَدَعْتَ النَّاسَ بِالْمَكْرِ وَلَنْ
تَخْدَعَ النَّارِيخَ نَقَادَ الرُّؤَاةِ
۲. مَا جَنَى مِنْكَ بَنُو الْغَرْبِ سِوَى
ذِلَّةٍ أَخْنَتَ عَلَيْهِمْ وَشَتَاتٍ

(همان: ۲۷۸)

(ترجمه: ۱. مردم را با حيله و نیرنگ، فریب دادی، درحالی که هرگز تاریخ و ناقدان روایت‌گر را فریب نخواهی داد. ۲. تنها ثمره تو برای مردم عرب، خواری و تفرقه بود.)

باید توجه داشت که اگرچه در ظاهر، روی این سخنان شاعر به معاویه است، اما در واقع هشدار به همه حاکمانی است که قصد فریب مردم را دارند.

۲-۱-۲-۴. معرفی امام علی (ع) به مثابه جانشین پیامبر (ص)

مهم‌ترین بخش واقعه غدیر زمانی است که پیامبر (ص) دست امام علی (ع) را بالا برده و مردم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند: همانا خدا مولای من است و من مولای مؤمنین هستم و اولی و سزاوارترم به آن‌ها از خودشان. پس هر کس که من مولای اویم، علی (ع) مولای او خواهد بود (ر.ک: مجلسی، بی‌تا، ج ۳۷: ۱۱۱)

از این بخش ابیاتی آغاز می‌شود که در واقع نقطه اوج قصیده است. شاعر در این بیت‌ها با استفاده از آرایه جان‌بخشی، روز غدیر را به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار داده است. وی این روز را از آن جهت نسبت به روزهای دیگر برتر می‌داند که در آن، رسول خدا (ص)، مردم را به‌واسطه ولایت امام علی (ع) به راه راست هدایت کرد. در ادامه نیز برای تأیید سخنان خود، به حدیث معروف غدیر استناد کرده است:

۱. «يَوْمَ خُمٍّ» أَنْتَ يَوْمٌ رَائِعٌ بَيْنَ أَيَّامِ الْعُصُورِ الْخَالِيَاتِ
۲. «يَوْمَ خُمٍّ» بِكَ قَامَ «الْمُصْطَفَى» يُرْشِدُ النَّاسَ إِلَى مَحَجِّ النَّجَاةِ
۳. قَالَ: مَنْ كُنْتُ لَهُ مَوْلَى وَمَنْ رَامَ أَنْ يَحْطَى بِأَوْقَى الْبُرْكَاتِ
۴. «فَعَلَيْ» هُوَ مَوْلَاهُ الَّذِي بَسَنَاهُ يُهْتَدَى فِي الظُّلُمَاتِ

(شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۷۸)

(ترجمه: ۱. ای روز غدیر خم، تو روزی باشکوه در میان روزهای دوره‌های گذشته هستی. ۲. ای روز غدیر خم حضرت محمد (ص) به‌وسیله تو مردم را به راه نجات رهنمون ساخت. ۳. گفت: هر کس من مولای او هستم و

هر کس که می‌خواهد از کامل‌ترین و شایسته‌ترین برکت‌ها بهره‌مند شود. ۴. پس علی مولای او است که نور او در تاریکی‌ها، هدایتگر است.)

پس از نصب امام (ع) به خلافت، پیامبر (ص) در حق امام علی (ع) دعایی را ایراد نمود و فرمود: خدایا! کسی را که او را دوست دارد، دوست بدار و کسی را که با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار و کسی را که او را یاری می‌کند، یاری نما و کسی را که او را خوار می‌گرداند، خوار گردان (ر.ک: امینی نجفی، ۱۹۶۷، ج ۱: ۱۱) در بیت بعد شامی این دعا را این‌گونه نقل می‌کند:

۱. فَانصِرِ اللّٰهَ مِنْ يَنْصُرِهِ وَأَذِقْ أَعْدَاءَهُ ذُلَّ الْحَيَاةِ

(شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۷۸)

(ترجمه: پرودگارا هر کس که او را یاری می‌کند، یاری فرما و بر دشمنانش خواری زندگی را بچشان.) تا بدین‌جا، آیاتی که متضمن ترسیم واقعه غدیر و جزئیات آن بود، بررسی شد. بیت‌های دیگر این قصیده، به مسائل دیگری پرداخته که غیر مستقیم با این واقعه ارتباط دارد. در ادامه بیت‌های یادشده بررسی خواهد شد.

۲-۱-۵. شکیبایی امام (ع) پس از غصب خلافت

شامی در مقطعی از قصیده، صفات بارز امیرالمؤمنین علی (ع)؛ نظیر جوانمردی، داشتن اراده، ثبات قدم و بردباری در برابر ظلم را بیان می‌کند؛ زیرا ایشان، بنابه مصلحت که همان جلوگیری از ایجاد تفرقه و نابودی اسلام بود، ۲۵ سال صبر و سکوت اختیار کرده و برای بازگرداندن خلافت، اقدامی نکرد. حضرت صبر خود را این‌گونه توصیف کرده است: «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى، فَصَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدْزَى وَفِي الْحَلْقِ شَجًّا، أَرَى تُرَائِي نَهْبًا.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵: ۳۸) (ترجمه: پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. پس صبر کردم درحالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می‌نگریستم که میراث مرا به غارت می‌برند.)

شاعر در بیت‌های زیر با استفاده از قید «بطیناً» به گذر کند و آرام روزهای دشوار پس از رسول خدا (ص) و غصب حق خلافت از امام علی (ع) اشاره کرده است. او با آوردن این قید بر دشواری شرایط و در عین حال، بر ثابت‌قدم‌بودن امام علی (ع) در عین همه ناملایمات تأکید کرده است:

۱. وَمَضَى الدَّهْرُ بَطِينًا، وَالْفَتَى فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثَبِتُ الخُطَوَاتِ

۲. صَابِرًا لَا الْبُؤْسَ يُضْوِيهِ، وَلَا يَتَدَاعِي صَبْرُهُ لِلْأَزْمَاتِ

(شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۷۷)

(ترجمه: ۱. روزگار آرام آرام گذشت و این جوان همچنان در راه خدا ثابت قدم بود. ۲. او شکیبا بود و تنگدستی او را رنجور نکرد و از شکیبایی‌اش درمقابل بلاها کم‌نشد.)

اشاره به مسائل یادشده، در واقع کنایه زیرکانه شاعر به حاکم است، گویی می‌خواهد با این سخنان دو نکته مهم را به شیخ یادآور شود؛ اول اینکه مصلحت مسلمانان بر هر امری برتری دارد و دوم اینکه حاکم باید در هر شرایطی به صفاتی مانند بردباری و ثبات قدم آراسته باشد.

۲-۱-۲. پیشگامی امام علی (ع) در پذیرش اسلام

گفته شده پس از خدیجه (س) همسر پیامبر (ص)، علی بن ابی طالب، نخستین کسی بود که اسلام آورد و نبوت پیامبر (ص) را تصدیق کرد؛ این درحالی بود که ایشان تنها ده سال داشت (ر.ک: حمیری معافری، بی تا: ۲۴۵).

شامی نیز با تعبیر «شناخت حق در سنین کودکی» این موضوع را در شعر خود بیان می‌کند:

عَرَفَ الْحَقَّ صَغِيرًا فَاهْتَدَى وَالْوَرَى مِنْ حَوْلِهِ فِي ظُلُمَاتٍ

(همان: ۲۷۷)

(ترجمه: ۱. از همان دوران کودکی که مردم پیرامونش در تاریکی به سر می‌بردند، حق را شناخت و هدایت شد.) از نگاه شاعر، داشتن اصالت خانوادگی، تربیت درست و پیروی از آموزه‌های دینی، از جمله عواملی است که در خلق شخصیت امام علی (ع) مؤثر بود؛ افزون بر این، مقایسه هدایت‌یافتگی امام (ع) از دوران کودکی با جهل و بی‌خبری مردم آن زمان، بر تمایز و برتری آن حضرت نسبت به هم‌عصرانش تأکید کرده است.

۲-۱-۲. اشاره به آیه انذار

براساس سندهای تاریخی، رسول خدا (ص) چندبار جانشینی امام علی (ع) را پیش از واقعه غدیر نیز به مردم اعلام کرده بود؛ یکی از جاهایی که این مسئله طرح شد، واقعه یوم الدار یا عشیرتک الأقرین بود. پس از نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَ كَالْأَقْرَبِينَ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۲۱۴) (ترجمه: و [نخست] خویشان نزدیکت را بیم ده و انذار کن و بال مهر و فروتنی خود را برای هر کس از مؤمنان که پیرویت کنند، فرود آر و چتر جلب و جذب بر سر آنان بگستر)، پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا بستگان خود را بیم دهد و به دین اسلام فراخواند. آن‌هنگام که پیامبر (ص) در جمع خویشاوندان خود فرمود: کدام یک از شما مرا در امر دین یاری می‌کند که برادر و وصی و جانشین من باشد؟ تنها حضرت علی (ع) که از همه حاضرین در جمع جوان‌تر بود، موافقت خود را با ایشان بیان کرد و فرمود: «ای پیامبر خدا، من پشتیبان تو خواهم بود.» پیامبر (ص) نیز فرمود: این برادر و وصی و جانشین من است، مطیع وی باشید. خویشان نبی خدا نیز این موضوع را به‌سخره گرفتند و بالحنی تمسخرآمیز خطاب به ابوطالب گفتند: به تو گفت که از پسرت اطاعت کنی (ر.ک: طبری، ۱۹۶۷، ج ۲: ۳۲۰-۳۲۱).

شامی، ضمن اشاره به این واقعه تاریخی و گفتگویی که در آن میهمانی بین رسول خدا (ص) و نزدیکانش رخ داد، بر حقانیت خلافت و جانشینی امام (ع) پس از پیامبر (ص) تأکید کرده است. در این آیات، اشاره شده است که امام (ع) از همان آغاز جوانی در رکاب رسول خدا بوده و آشکارا حمایت خود را از ایشان ابراز کرده بود:

۱. حِينَ نَادَى «المُصْطَفَى» فِي قَوْمِهِ فَأَجَابُوهُ بِأَقْسَى الكَلِمَاتِ
 ۲. لَمْ يَجِدْ غَيْرَ «عَلِيٍّ» نَاصِرًا طَاهِرَ الْمَنْطِقِ خُلُوَ التَّيْبَاتِ
 ۳. سَخِرَ الْقَوْمُ، وَقَالُوا يَا فَعَّ غَرَّةٌ صَاحِبُهُ بِالرَّهْمَاتِ!

(شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۷۷)

(ترجمه: ۱. هنگامی که پیامبر (ص) در میان خویشاوندانش فریاد برآورد پاسخ او را با تندترین واژه‌ها دادند. ۲. حضرت محمّد (ص)، تنها علی را یاریگر، دارای بیان پاک و نیکوسخن یافت. ۳. آشنایان او را به سخره گرفتند و گفتند او نوجوانی است که دوستش او را با سخنان یاوه، فریفته است.)

۲-۱-۸ رویداد «لیلة المبيت»

گفته شده است: «همین که سران قریش دانستند پایگاهی تازه برای نشر دعوت اسلام آماده شده است، خطر را بیشتر احساس کردند و برای یافتن راهی مناسب در دارالندوه جلسه‌ای تشکیل دادند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که از هر قبیله‌ای جوانی آماده شود تا شبانه و دسته‌جمعی بر سر پیامبر (ص) بریزند و او را بکشند؛ از آن سو جبرئیل بر پیغمبر (ص) نازل شد و توطئه مشرکین را در آیه «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال/ ۳۰) (ترجمه: و آن‌هنگام را به‌یاد آور که کافران درباره تو مکرری کردند تا دربندت افکنند یا بکشند یا از شهر بیرون سازند، آنان مکر کردند و خدا نیز مکر کرد و خدا بهترین مکرکنندگان است) به اطلاع آن حضرت رسانید. رسول خدا (ص) علی (ع) را جانشین خود ساخت تا در بسترش بخوابد.» (پیشوایی، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۷)

این واقعه به‌باور شاعر، دلیل دیگری برای شایستگی خلافت برای امام (ع) است؛ زیرا آن‌هنگام که قریشیان برای جان پیامبر (ص) توطئه کرده بودند، تنها امام (ع) بود که خطرها را به‌جان خرید و برای نجات جان رسول خدا (ص) در بسترش آرامید:

۱. يَوْمَ وُلِّيَ «المُصْطَفَى» عَن دَارِهِ تَائِرُ اللُّوعَةِ جَمُّ الْحَسْرَاتِ
 ۲. وَقَرِيشٍ تَتَلَطَّطَى حَقَقًا طَفَحَتْ أَنْفُسُهَا بِالنِّقَمَاتِ
 ۳. بَاتَ فِي مَضْجِعِهِ وَالشَّرُّ مِنْ حَوْلِهِ يُنْزِرُهُ بِالْهَلَكَاتِ

(شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۷۷)

(ترجمه: ۱. روزی که محمد مصطفی (ص) از خانه‌اش گریخت درحالی که بسیار اندوهگین بود و غم‌های فراوان داشت. ۲. قریش بسیار خشمگین و برافروخته بود و درونش پر از کینه و دشمنی بود. ۳. علی (ع) در بستر مصطفی خوابید حال آنکه شر پیرامونش را فرا گرفته بود و او را نسبت به هلاک شدن بیم می‌داد).

۲-۱-۹. وصف دلاوری امام (ع)

شامی در سه بیت از قصیده خویش به برخی از جنگ‌های صدر اسلام مانند بدر^(۶) و حنین^(۷) و فتح مکه اشاره می‌کند که امام (ع) در آن‌ها حضور داشته و با شجاعت و جنگاوری درمقابل دشمنان ایستاده و آن‌ها را با جام مرگ سیراب کرده است:

۱. وَبِئْسَ ظَهْرَ الْحَقُّ بِهِ	فَسَقَى أَعْدَاءَهُ كَأْسَ الْمَمَاتِ
۲. وَيَوْمَ «الْفَتْحِ» وَالصَّفْحِ وَيَوْمَ	مَ «حَنِينٍ» وَجَمِيعِ «الغزواتِ»
۳. تَشْهَدُ الْهَيْجَاءُ حَقًّا أَنَّهُ	عَلِمَ النَّصْرَ وَرُبَّ الْمُعْجَزَاتِ

(همان: ۲۷۸)

(ترجمه: ۱ و ۲. در جنگ بدر و حنین و فتح مکه - که روز بخشش بود - و نیز در همه غزوات رسول خدا (ص)، حق به وسیله او نمایان شد و او بود که دشمنان اسلام را از جام مرگ سیراب کرد. ۳. جنگ به درستی گواهی می‌دهد که او [در میدان نبرد] پرچم پیروزی و صاحب معجزات است).

شجاعت و پیشگامی علی (ع) در عرصه‌های سخت و طاقت‌فرسا، موضوعی است که شاعر از روی قصد و عمد تبیین آن را پیش چشم حاکم آینده کشورش ترسیم کند.

۲-۱-۱۰. کینه‌توزی و ستم امویان و عباسیان نسبت به خاندان امام (ع)

شاعر، ضمن اشاره به دشمنی، کینه‌توزی و ستم خاندان اموی و عباسی با امام (ع) و خاندان آن حضرت، نشان داده است که باوجود همه فداکاری‌های امام (ع) در راه اسلام، نه‌تنها خودش مورد ستم و بی‌مهری قرار گرفت، بلکه پس از او خاندان شریفش نیز مورد آزار و اذیت دشمنان اسلام قرار گرفتند:

۱. يَا لِأَبْنَاءِ «عَلِيٍّ» عَصَفَتْ	بِهِمْ هَوُجُ الدَّوَاهِي الْعَاصِفَاتِ
۲. حَشَدَ الْبَقِيِّ عَلَيْهِمْ جَنْدَهُ	وَرَمَاهُمْ بِالرِّزَايَا الْمَاحِقَاتِ
۳. «فَبُئُوا مَرَوَانَ» خَانُوا وَاعْتَدُوا	وَ«بَنُو الْعَبَّاسِ» عَاثُوا بِالصِّلَاتِ

(همان: ۲۷۹)

(ترجمه: ۱. وای بر فرزندان علی که تندباد بلایا بر آنان وزیدن گرفت ۲. ستم، سربازان خود را پیرامون آن‌ها گرد آورد و مصیبت‌های شدید را بر آن‌ها فرود آورد. ۳. بنی مروان خیانت کردند و تجاوز نمودند و بنی عباس با بخشیدن صلح‌ها [از بیت‌المال مسلمانان]، به فساد مشغول شدند).

۲-۲-۲. بازتاب رویداد غدیر خم در غدیریه ادیب الممالک فراهانی

ادیب الممالک فراهانی، غدیریه خود را برای تبریک عید غدیر خم در سال ۱۳۰۷ در تبریز سروده و به

ناصرالدین شاه، پادشاه زمانه خویش تقدیم کرده است. این چکامه ۷۶ بیت دارد و در بحر هزج (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) سروده شده است. «هزج در لغت به معنی آواز طرب‌انگیز و سرود مفرح است. وجه تسمیه آن است که عرب، آوازهای خوش و فرح‌بخش خود را از اشعار سروده شده در این بحر، انتخاب می‌کرده است.» (مدرسی، ۱۳۸۴: ۳۲۳) بنابراین، شاعر با انتخاب این بحر، ضمن افزودن بر زیبایی و دل‌انگیزی شعر، سرور و شادمانی خود را به سبب فرارسیدن این روز خجسته نشان داده است.

۲-۲-۱. استهلال و یا مقدمه غزلیه

ادیب الممالک، در آغاز قصیده در ۲۵ بیت به توصیف روز عید غدیر می‌پردازد و طبیعت را در آن روز با به کارگیری آرایه‌های ادبی؛ نظیر تشبیه، تشخیص و همچنین فراخوانی شخصیت‌های کهن نظیر بیژن، امین، هارون، فرهاد و... به زیبایی وصف می‌کند. اوصافی که برای طبیعت به کار می‌برد، بسیار زیبا و دل‌نشین است که برای نمونه می‌توان به بیت‌های زیر اشاره کرد؛ او قصیده خود را با وصف صبح‌گاه شروع می‌کند:

برآمد بامدادان مهر روشن به پهنای فلک گسترده دامن
چو ترکی آتشین رخ برنشسته فراز صحن دیبای ملوّن

(فراهانی، ۱۳۱۲: ۳۷۰)

سپس به وصف باغی زیبا پرداخته و آن را از شدت زیبایی، به زنی زیبا تشبیه می‌کند:

نماید نوگل اندر شاخ جلوه نوازد بلبل اندر باغ ارغن
یکی همچون زنی هر هفت کرده دگر مانند مردی ارغنون زن

(همان: ۳۷۱)

پس از این مقدمه، شاعر به هدف اصلی خود که همان واقعه غدیر است، وارد شده و موضوعاتی که در ادامه مطرح خواهد شد را بیان می‌کند.

۲-۲-۲. دستور خداوند مبنی بر انتخاب حضرت علی (ع) به مثابه ولی امر مسلمین

ادیب الممالک نیز دستور خدا مبنی بر انتخاب امام علی (ع) به منزله ولی امر مسلمانان را در شعر خود بیان می‌دارد و او را شاه ولایت می‌خواند:

امیرالمؤمنین شاه ولایت خداوند جهان صدر مهیمن
ز امر حق تعالی در چنین روز به تخت خسروی آمد ممکن

(همان: ۳۷۲)

گویا شاعر در صدد است با به کارگیری ترکیب‌هایی چون «شاه ولایت»، «خداوند جهان» و «صدر

مهمین» به شخصیت والای امام علی (ع) اشاره نماید و بیان کند که خلافت و به‌دست گرفتن امر حکومت را شایسته ایشان می‌داند.

۲-۲-۳. اشاره به مکان نزول آیه تبلیغ

شاعر مکانی را که در آن آیه تبلیغ بر پیامبر (ص) نازل شده است رامعرفی می‌کند؛ زیرا گفته می‌شود این آیه در منطقه‌ای به نام «جُحفه» که راه‌های مدینه، مصر و عراق از آنجا منشعب می‌شود (ر.ک: شفیع شاهروردی، ۱۴۲۸: ۱۰) بر پیامبر وحی شده است. شاعر در این بیت بار دیگر بر این نکته مهم تأکید کرده است که دستور خلافت امام (ع) نه از جانب پیامبر (ص) بلکه از جانب خداوند صادر شده بود:

میان یثرب و بطحانبی بود چو موسی در میان مصر و مدین
خطاب آمد ز یزدان کای پیمبر علی را بر خلافت کن معین

(همان: ۳۷۲)

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در ابیات پیشین نیز مسئله انتصاب امام علی (ع) از جانب خداوند مطرح شده بود. به‌نظر می‌رسد شاعر با تکرار این مسئله بر این نکته تأکید دارد که خلافت امام علی (ع) امری الهی و مقدر بوده است.

۲-۲-۴. حدیث منزلت

پیامبر خدا (ص) در حدیثی بیان می‌نماید که حضرت علی (ع) برای او، مانند هارون برای حضرت موسی (ع) است: «أنت مِیِّ بَمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.» (امینی نجفی، ۱۹۶۷، ج ۱: ۳۸) (ترجمه: تو برای من در مقام و منزلت هارون از موسی هستی، جز اینکه پس از من پیامبری نخواهد بود) در واقع شاعر در بیت زیر با تشبیه رسول خدا (ص) به موسی (ع)، حدیث منزلت را یادآوری کرده است تا به مخاطب این نکته را گوشزد کند که تعیین امام علی (ع) بر پایه شأن و جایگاه والای آن حضرت بوده است:

میان یثرب و بطحانبی بود چو موسی در میان مصر و مدین

(فراهانی، ۱۳۱۲: ۳۷۲)

۲-۲-۵. اشاره به آیه ۳ سوره مائده (آیه تبلیغ)

گویا پیامبر (ص) در ابتدا در امر ابلاغ ولایت حضرت علی (ع) محتاطانه عمل می‌کرد؛ زیرا از نظر اعراب که سن زیاد را ملاک تصدی رهبری جامعه برمی‌شمردند، ۳۳ سال سن کمی بود؛ از سوی دیگر، حسادت برخی از اصحاب پیامبر (ص) به امام علی (ع)، خویشاوندی ایشان با پیامبر (ص) و همچنین قتل بستگان مشرک ایمان‌آوردگان به وسیله امام علی (ع) (ر.ک: اکبری، ۱۳۸۹: ۱۹۵) دیگر دلایلی بود که رسول خدا

را در امر انتخاب دچار تردید کرده بود؛ اما خداوند پس از آیه تبلیغ، که به صراحت بیان می‌کند که دستور پروردگار را در این مسئله عمل نماید؛ شرح آنچه گذشت، در ابیاتی چند از ادیب این گونه بیان می‌شود:

چراغ کفر را بنمای خاموش	سراج عقل را فرمان روشن
قدم نه در ره دلجویی دوست	مترس از بغض و کید و کین دشمن
چو گویی آشکارا قول ایمان	خدایت سازد از هر فتنه ایمن
دلیل لیل لیل را در این روز	نمایا حجتی واضح مبرهن

(فراهانی، ۱۳۱۲: ۳۷۲)

مقصود از «دلیل لیل لیل» در بیت آخر، امام علی (ع) است همچنان که در دعای صباح نیز این گونه بیان شده است: «صلّ اللهم علی الدلیل علیک فی اللیل الألیل». (اکبری، ۱۳۸۹: ۱۹۵)

از آنچه گذشت، این گونه می‌توان دریافت که مقصود شاعر این است که به مخاطب خویش بگوید اگر حکومتی بر پایه ایمان و تقید به اوامر الهی بنا شود، خداوند آن را از دسیسه‌های دشمن مصون می‌دارد. شاعر در ابیات اخیر از آرایه‌های ادبی متعددی برای زینت بخشی به اشعار خود بهره برده است؛ مانند تشبیه کفر و عقل به چراغ؛ آرایه تضاد میان واژه‌های (خاموش / روشن) و (دوست / دشمن)، (دلجویی / بغض)، (لیل / روز) و آرایه جناس میان واژه‌های (کید و کین) و (ایمان و ایمن).

۲-۲-۶. اشاره به جمع کردن مردم در غدیر خم

پس از امر خدا مبنی بر انتخاب حضرت علی (ع) به‌مثابه علم هدایت و نشستن ایشان بر مسند خلافت، پیامبر (ص) دستور می‌دهد که همه در جایگاهی مشخص جمع شوند و آنان که جلو رفته‌اند، باز گردند و آنان که می‌رسند، توقف کنند؛ سپس از زین شتران منبری برای پیامبر (ص) ساخته می‌شود و پیامبر (ص) بر بالای آن رفته و خطبه خویش را ایراد می‌کند (ر.ک: امینی نجفی، ۱۹۶۷، ج ۱: ۱۰):

صنادید عرب را خواند یکسر	گشود از مخزن سیر قفل مخزن
به بالای جهاز اشتران ساخت	همای سدره رفعت نشیمن

(فراهانی، ۱۳۱۲: ۳۷۲)

همان‌طور که از بیت‌های بالا مشخص است، شاعر به فراخواندن همه کسانی که در آن سفر حضور داشتند اشاره نموده و از ابلاغ وحی به منزله «گشوده شدن قفل مخزن» تعبیر می‌نماید. وی با استفاده از این تعبیر قصد دارد اعلام خلافت امام علی (ع) را امری بسیار مهم و ارزشمند نشان دهد؛ زیرا تنها اشیای گرانبها و ارزشمند در مخازن در بسته نگهداری می‌شوند. براساس این، با گشوده شدن قفل این مخزن و اعلام

خلافت امام علی (ع)، در واقع گنجی گرانها نصیب مسلمانان شد. منظور از همای سدره نیز پرنده‌ای است که در بهشت بر بالای درخت سدره المنتهی^(۸) می‌نشیند که در این آیات قرار گرفتن رسول خدا (ص) بر بالای منبر در شکوه و عظمت به قرار گرفتن پرنده بهشتی بر بالای درخت سدره تشبیه شده است.

۲-۲-۲. اشاره به حدیث غدیر

همان گونه که پیش تر بیان شد، پیامبر (ص) پس از ایراد خطبه، دست راست حضرت علی (ع) را بالا برده و پس از اقرار گرفتن از مردم در مورد ایمان به خداوند و پذیرش حقانیت پیامبری خویش، حدیث «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» را چندین بار تکرار می‌کند. ادیب الممالک این واقعه را به همراه حدیث به طور دقیق در قصیده خود تشریح می‌نماید:

به یمن طالع ایمان برافراشت یمین الله را با دست ایمن
به آهنگ جلی «من کنت مولاه» علی مولاه گفت آن شاه ذوالمن

(همان: ۳۷۲-۳۷۳)

شاعر در بیت نخست برای نشان دادن حقانیت امام (ع)، دست او را دست خدا نامیده است؛ همچنین استفاده از مشتقات ماده (ی.م.ن) که در اصل به معنای خیر، برکت، مبارکی و فرخندگی است، ضمن افزایش موسیقی درونی بیت، تأکیدی بر مبارک بودن این روز است.

۲-۲-۲. واکنش اطرافیان از شنیدن خبر

پس از اعلام خلافت حضرت علی (ع) از جانب پیامبر (ص)، دو واکنش از جانب مردم نشان داده شد. اول اینکه عده‌ای خوشحال شدند و به حضرت علی (ع) تبریک گفتند (ر.ک: امینی نجفی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۷۹) و دوم اینکه عده‌ای نیز از این امر اندوهگین شده و با خود عهد کردند که زیر بار چنین دستوری نروند. ادیب الممالک فراهانی نیز احساس درونی و بیرونی افراد حاضر در آن جمع را به خوبی توصیف کرده و برخی را از جان و دل مسرور، برخی را به ظاهر و در چهره خوشحال، اما از درون ناراحت و برخی را هم در ظاهر و هم در باطن ناراحت و غمگین ترسیم کرده است:

در آن ساعت غریو از خلق برخاست گروهی شاد شد خلقی به شیون
یکی را خار محنت شد به ستخوان یکی را بار طاعت شد به گردن
یکی را مغز می‌خوشید در سر یکی را خون همی جوشید در تن
ولیکن امر یزدان را به ناچار نهادندی جبین طوعا و کرها

(فراهانی، ۱۳۱۲: ۳۷۳)

شاعر در این ابیات از تعابیر کنایی (جوشیدن خون در بدن، فرورفتن خار در استخوان و جوشیدن مغز) که همگی کنایه از شدت خشم و غضب است، برای نشان دادن میزان خشم دشمنان امام (ع) استفاده کرده است. نکته درخور توجه این است که در بیت آخر، با عبارت «امر یزدان» برای بار سوم بر الهی بودن واقعه غدیر تأکید کرده است.

۲-۲-۹. اشاره به شجاعت و بخشندگی امام علی (ع)

ادیب الممالک، شجاعت حضرت علی (ع) را در میدان جنگ توصیف می کند و بیان می دارد که حتی شیردلان درمقابل شمشیر وی ناتوان و ترسانند:

ای آن کز بیم شمشیرت در آجام بیندازند شمشیران ارژن
ز درگاهت سلیمانی است سلمان ز یمنت باب ایمان ام ایمن

(همان: ۳۷۳)

۲-۳. مقایسه غدیریة دو شاعر

۲-۳-۱. شباهت‌ها

- هر دو شاعر غدیریة خود را به حاکم روزگار خویش تقدیم کرده‌اند. به نظر می‌رسد، قصد هر دو از بازخوانی واقعه غدیر و معرفی ابعادی از زندگانی حضرت علی (ع)، متوجه ساختن حاکمان به سلوک آن حضرت در امر حکمرانی، باشد.

- هر دو شاعر واقعه غدیر را امری الهی و از جانب خدا بر شمرده‌اند و غدیره‌های خویش را با مقدمه تغزلی آغاز کرده و در متن قصیده به اقتباس از آیات و احادیث روی آورده‌اند.

۲-۳-۲. تفاوت‌ها

- شامی، مقدمه غزلی را با افعال امری و مرتبط با موضوع قصیده که همان غدیر است، آغاز کرده اما فراهانی شعر خود را با وصف طبیعت شروع نموده است. به نظر می‌رسد تفاوت اقلیم جغرافیایی دو کشور ایران و یمن علت این امر باشد.

- ادیب الممالک روز حادثه را دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری وصف نموده و به موضوعات دیگری که مرتبط به سیره حضرت علی (ع) باشد، کمتر پرداخته است.

- شامی نسبت به فراهانی کمتر به مسئله و جزئیات واقعه غدیر پرداخته و درمقابل، بیشتر توجه خود را بر ذکر اوصاف و سیره امام علی (ع) متمرکز نموده است.

- شامی بیشتر از ادیب الممالک بعد سیاسی زندگانی حضرت علی (ع) را مقابل دیدگان حاکم وصف می کند تا به هدف خود یعنی ارائه الگوی صحیح حکومت داری دست یابد.

۳. نتیجه‌گیری

از جمله مضامین اصلی مرتبط با غدیر در شعر شامی، ضایع کردن حقّ ولایت امام علی (ع) و عواقب آن، اقدامات خرابکارانه معاویه پس از خلافت امام علی (ع) و شایعه قتل عثمان به دست امام علی (ع)، انتخاب حضرت علی (ع) به وسیله پیامبر (ص)، برشمردن برخی اوصاف حضرت علی (ع)، مانند جوانمردی، داشتن اراده، ثبات قدم، بردباری، اشاره به برخی حوادث زندگی حضرت علی (ع) مانند پیشگامی در پذیرش اسلام، رویداد عشیرتک الأقرین و حادثه لیلۃ المیت و حضور حضرت در برخی جنگ‌ها و سرنوشت خاندان آن حضرت می‌توان اشاره کرد. همان‌گونه که از مضامین پیداست، شاعر، تنها به وصف رویداد غدیر بسنده نکرده و رویدادهای پیش و پس از واقعه غدیر را هم در شعر خود به کار می‌برد.

ادیب الممالک فراهانی نیز مضامینی همچون دستور خداوند مبنی بر انتخاب حضرت علی (ع) به منزله والی مسلمین، مکان نزول آیه تبلیغ، حدیث منزلت، نزول آیه ۳ سوره مائده، جمع کردن مردم به وسیله پیامبر (ص) برای ایراد خطبه، اشاره به حدیث غدیر و تبیین واکنش اطرافیان از شنیدن خبر خلافت حضرت علی (ع) را در شعر خود به کار برده است.

با توجه به اینکه هر دو شاعر، غدیریّه خود را به حاکم وقت تقدیم کرده‌اند و نیز با در نظر گرفتن مفاهیم سیاسی موجود در قصیده، می‌توان نتیجه گرفت هر دو کوشیده‌اند تا با به تصویر کشیدن ابعاد سیاسی و حکومتی حضرت علی (ع)، آنان را به تفکر و تأمل در سرگذشت ایشان و در نهایت الگو قرار دادن آن حضرت وادارند. روش هریک در این مسئله متفاوت است؛ بدین صورت که احمد محمد شامی بی‌واسطه و مستقیم و با جسارت بیشتری شیخ احمد را مورد خطاب قرار می‌دهد و از همان ابتدای قصیده با به کارگیری افعال امری او را به تفکر و تأمل فرامی‌خواند و اشتیاق او را برای خواندن ادامه مطلب برمی‌انگیزاند؛ همچنین بیشتر از اینکه حاکم را مدح کند، به مدح و ثنای حضرت علی (ع) در لابه‌لای قصیده می‌پردازد؛ اما ادیب الممالک فراهانی ضمن مدح ناصرالدین شاه، از فراخواندن وی برای شنیدن سرگذشت امام علی (ع) و توجه به آن، به‌طور مستقیم پرهیز کرده است.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) ابو ولید حسان بن ثابت، پسر منذر خزرجی از انصار اهل مدینه و از صحابه رسول خدا (ص) بود. در سال ۶۰ پیش از هجرت در مدینه متولد شد و در زمان خلافت امام علی (ع) از دنیا رفت. او پس از مسلمان شدن، در دفاع از اسلام شعر می‌گفت و به شاعر الرسول ملقب شد.

(۲) احمد محمد شامی شاعر، مورخ و سیاستمدار یمنی در سال ۱۹۲۴ در شهر ضالع دیده به جهان گشود. وی در خانواده‌ای شیعه‌مذهب، اصیل و اهل فرهنگ و دانش زاده شد. پدرش استاندار شهر ضالع بود. در سال ۱۹۲۸ به دلیل نفوذ نیروهای اشغال‌گر انگلیس به شهر آنان، به صنعاء نقل مکان کردند و احمد نیز در همان شهر پرورش یافت (ر.ک: الموسوعة العالمية للشعر العربي www.adab.com/literature/modules.php?name=Sh3er&doWhat و جمعی از نویسندگان، ۱۹۹۵: ۳۲۰). شعر او همان‌گونه که از خلال دیوانش قابل مشاهده است، شعری غنایی، رمانتیک و غمناک است که واژه‌هایش از لحن و آهنگی

دلنشین و غم‌انگیز برخوردار هستند (ر.ک: شامی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۴۱)

برخی از آثار شعری احمد شامی عبارت‌اند از: *التفس الأولی* (۱۹۵۵)، *علاة المغرب* (۱۹۶۳)، *من الیمن* (۱۹۶۴)، *ألحان الشّوق* (۱۹۷۰)، *البیضاء من صنعاء* (۱۹۷۲)، *حصاد العمر* (۱۹۷۵)، *مع العصافیر* (۱۹۸۰)، *ألف باء اللّزومیات* (۱۹۸۰)، *أطیاف* (۱۹۸۵). تألیفات ادبی و انتقادی وی عبارت‌اند از: *قصّة الأدب فی الیمن، مع الشعر المعاصر فی الیمن، المنتهی: شاعر مکارم الأخلاق، جنابة الأکوع علی ذخائر الهمدانی، السّوانح والبوارح* (۲ جلد)، *شعراء الیمن فی الجاهلیة والإسلام، ذکریات الشّامی* (۳ بخش)، *محاكمة فی جنة الشعراء* (نمایشنامه)، *تاریخ الیمن الفکری* (۴ جلد)، *ریاح التّغییر فی الیمن* (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۹۹۵: ۳۲۰) احمد محمد شامی در سال ۲۰۰۸ میلادی در سن ۸۴ سالگی در انگلیس چشم از جهان فرو بست.

(۳) محمدصادق بن حاجی میرزا حسین فراهانی ملقب به ادیب الممالک فراهانی شاعر، ادیب و روزنامه‌نگار دوره مشروطه در سال ۱۲۳۹ هـ ش در فراهان اراک دیده به جهان گشود. عمر وی در ناآرامی‌های تاریخ ایران سپری شد که ۳۷ سال آن در زمان حکومت ناصرالدین شاه بود. «شعر ادیب، شعری مشکل و گاه بسیار مشکل است. احاطه بی مانند او به ادب عربی، اشعار جاهلی، اخبار و سنن، تاریخ، وقایع الأیام، قبایل و حماسه‌ها و نیز آگاهی‌اش از آیات و روایات و اسامی افراد، جای‌ها، امثال و حکم و مصطلحات علوم و فنون قدیم از فقه و کلام و هیئت و نجوم تا علوم ادبی و همچنین ذخیره‌ای شگرف که در ذهن از لغات عربی و پارسی دارد، همه و همه از وی سخنوری مایه‌ور ساخته است.» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۱۲) آثار شعری ادیب الممالک همان دیوان اوست که شامل مجموعه سروده‌های فارسی و عربی بالغ بر ۱۶ هزار و ۶۰۰ بیت است (ر.ک: همان: ۱۱۵). آثار تألیفی و ترجمه او نیز از این قرار است: *تابش مهر، آداب آل حق، تحفة الوالی* (در عروض)، *در پیرامون تغیر خطّ فارسی، دیوان پارسی، دیوان تازی، پیوسته فرهنگ پارسی، رساله در عقد انامل، رشحات الأقلام، سماء اللّتیآ* (در هیئت جدید)، *صیقل المرآت* (در جغرافیا)، *فرهنگ نصاب، فوائد، فلك المشحون، مسافرت‌نامه، مقامات امیری و تاریخ ملایر* (ر.ک: قاسمی، ۱۳۸۶: ۹۱) سرانجام این شاعر در مهرماه سال ۱۲۸۶ هـ ش در شهر یزد دیده از جهان فرو بست (همان: ۷۹)

(۴) احمد بن یحیی حمید بن متوکل دومین پادشاه حکومت متوکل‌یمن بود. وی در زمان جنگ جهانی اول جزو سپاه پدرش بود و در نبردها حاضر می‌شد و سرانجام در طی انقلابی که در سال ۱۹۶۲ روی داد درگذشت.

(۵) قَالَ إِنْ كُنْتَ جُنْتُ بَابِي فَأَتِ بِمَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٦﴾ ﴿١٠٧﴾ ﴿١٠٨﴾ ﴿١٠٩﴾ ﴿١١٠﴾ ﴿١١١﴾ ﴿١١٢﴾ ﴿١١٣﴾ ﴿١١٤﴾ ﴿١١٥﴾ ﴿١١٦﴾ ﴿١١٧﴾ ﴿١١٨﴾ ﴿١١٩﴾ ﴿١٢٠﴾ ﴿١٢١﴾ ﴿١٢٢﴾ ﴿١٢٣﴾ ﴿١٢٤﴾ ﴿١٢٥﴾ ﴿١٢٦﴾ ﴿١٢٧﴾ ﴿١٢٨﴾ ﴿١٢٩﴾ ﴿١٣٠﴾ ﴿١٣١﴾ ﴿١٣٢﴾ ﴿١٣٣﴾ ﴿١٣٤﴾ ﴿١٣٥﴾ ﴿١٣٦﴾ ﴿١٣٧﴾ ﴿١٣٨﴾ ﴿١٣٩﴾ ﴿١٤٠﴾ ﴿١٤١﴾ ﴿١٤٢﴾ ﴿١٤٣﴾ ﴿١٤٤﴾ ﴿١٤٥﴾ ﴿١٤٦﴾ ﴿١٤٧﴾ ﴿١٤٨﴾ ﴿١٤٩﴾ ﴿١٥٠﴾ ﴿١٥١﴾ ﴿١٥٢﴾ ﴿١٥٣﴾ ﴿١٥٤﴾ ﴿١٥٥﴾ ﴿١٥٦﴾ ﴿١٥٧﴾ ﴿١٥٨﴾ ﴿١٥٩﴾ ﴿١٦٠﴾ ﴿١٦١﴾ ﴿١٦٢﴾ ﴿١٦٣﴾ ﴿١٦٤﴾ ﴿١٦٥﴾ ﴿١٦٦﴾ ﴿١٦٧﴾ ﴿١٦٨﴾ ﴿١٦٩﴾ ﴿١٧٠﴾ ﴿١٧١﴾ ﴿١٧٢﴾ ﴿١٧٣﴾ ﴿١٧٤﴾ ﴿١٧٥﴾ ﴿١٧٦﴾ ﴿١٧٧﴾ ﴿١٧٨﴾ ﴿١٧٩﴾ ﴿١٨٠﴾ ﴿١٨١﴾ ﴿١٨٢﴾ ﴿١٨٣﴾ ﴿١٨٤﴾ ﴿١٨٥﴾ ﴿١٨٦﴾ ﴿١٨٧﴾ ﴿١٨٨﴾ ﴿١٨٩﴾ ﴿١٩٠﴾ ﴿١٩١﴾ ﴿١٩٢﴾ ﴿١٩٣﴾ ﴿١٩٤﴾ ﴿١٩٥﴾ ﴿١٩٦﴾ ﴿١٩٧﴾ ﴿١٩٨﴾ ﴿١٩٩﴾ ﴿٢٠٠﴾ ﴿٢٠١﴾ ﴿٢٠٢﴾ ﴿٢٠٣﴾ ﴿٢٠٤﴾ ﴿٢٠٥﴾ ﴿٢٠٦﴾ ﴿٢٠٧﴾ ﴿٢٠٨﴾ ﴿٢٠٩﴾ ﴿٢١٠﴾ ﴿٢١١﴾ ﴿٢١٢﴾ ﴿٢١٣﴾ ﴿٢١٤﴾ ﴿٢١٥﴾ ﴿٢١٦﴾ ﴿٢١٧﴾ ﴿٢١٨﴾ ﴿٢١٩﴾ ﴿٢٢٠﴾ ﴿٢٢١﴾ ﴿٢٢٢﴾ ﴿٢٢٣﴾ ﴿٢٢٤﴾ ﴿٢٢٥﴾ ﴿٢٢٦﴾ ﴿٢٢٧﴾ ﴿٢٢٨﴾ ﴿٢٢٩﴾ ﴿٢٣٠﴾ ﴿٢٣١﴾ ﴿٢٣٢﴾ ﴿٢٣٣﴾ ﴿٢٣٤﴾ ﴿٢٣٥﴾ ﴿٢٣٦﴾ ﴿٢٣٧﴾ ﴿٢٣٨﴾ ﴿٢٣٩﴾ ﴿٢٤٠﴾ ﴿٢٤١﴾ ﴿٢٤٢﴾ ﴿٢٤٣﴾ ﴿٢٤٤﴾ ﴿٢٤٥﴾ ﴿٢٤٦﴾ ﴿٢٤٧﴾ ﴿٢٤٨﴾ ﴿٢٤٩﴾ ﴿٢٥٠﴾ ﴿٢٥١﴾ ﴿٢٥٢﴾ ﴿٢٥٣﴾ ﴿٢٥٤﴾ ﴿٢٥٥﴾ ﴿٢٥٦﴾ ﴿٢٥٧﴾ ﴿٢٥٨﴾ ﴿٢٥٩﴾ ﴿٢٦٠﴾ ﴿٢٦١﴾ ﴿٢٦٢﴾ ﴿٢٦٣﴾ ﴿٢٦٤﴾ ﴿٢٦٥﴾ ﴿٢٦٦﴾ ﴿٢٦٧﴾ ﴿٢٦٨﴾ ﴿٢٦٩﴾ ﴿٢٧٠﴾ ﴿٢٧١﴾ ﴿٢٧٢﴾ ﴿٢٧٣﴾ ﴿٢٧٤﴾ ﴿٢٧٥﴾ ﴿٢٧٦﴾ ﴿٢٧٧﴾ ﴿٢٧٨﴾ ﴿٢٧٩﴾ ﴿٢٨٠﴾ ﴿٢٨١﴾ ﴿٢٨٢﴾ ﴿٢٨٣﴾ ﴿٢٨٤﴾ ﴿٢٨٥﴾ ﴿٢٨٦﴾ ﴿٢٨٧﴾ ﴿٢٨٨﴾ ﴿٢٨٩﴾ ﴿٢٩٠﴾ ﴿٢٩١﴾ ﴿٢٩٢﴾ ﴿٢٩٣﴾ ﴿٢٩٤﴾ ﴿٢٩٥﴾ ﴿٢٩٦﴾ ﴿٢٩٧﴾ ﴿٢٩٨﴾ ﴿٢٩٩﴾ ﴿٣٠٠﴾ ﴿٣٠١﴾ ﴿٣٠٢﴾ ﴿٣٠٣﴾ ﴿٣٠٤﴾ ﴿٣٠٥﴾ ﴿٣٠٦﴾ ﴿٣٠٧﴾ ﴿٣٠٨﴾ ﴿٣٠٩﴾ ﴿٣١٠﴾ ﴿٣١١﴾ ﴿٣١٢﴾ ﴿٣١٣﴾ ﴿٣١٤﴾ ﴿٣١٥﴾ ﴿٣١٦﴾ ﴿٣١٧﴾ ﴿٣١٨﴾ ﴿٣١٩﴾ ﴿٣٢٠﴾ ﴿٣٢١﴾ ﴿٣٢٢﴾ ﴿٣٢٣﴾ ﴿٣٢٤﴾ ﴿٣٢٥﴾ ﴿٣٢٦﴾ ﴿٣٢٧﴾ ﴿٣٢٨﴾ ﴿٣٢٩﴾ ﴿٣٣٠﴾ ﴿٣٣١﴾ ﴿٣٣٢﴾ ﴿٣٣٣﴾ ﴿٣٣٤﴾ ﴿٣٣٥﴾ ﴿٣٣٦﴾ ﴿٣٣٧﴾ ﴿٣٣٨﴾ ﴿٣٣٩﴾ ﴿٣٤٠﴾ ﴿٣٤١﴾ ﴿٣٤٢﴾ ﴿٣٤٣﴾ ﴿٣٤٤﴾ ﴿٣٤٥﴾ ﴿٣٤٦﴾ ﴿٣٤٧﴾ ﴿٣٤٨﴾ ﴿٣٤٩﴾ ﴿٣٥٠﴾ ﴿٣٥١﴾ ﴿٣٥٢﴾ ﴿٣٥٣﴾ ﴿٣٥٤﴾ ﴿٣٥٥﴾ ﴿٣٥٦﴾ ﴿٣٥٧﴾ ﴿٣٥٨﴾ ﴿٣٥٩﴾ ﴿٣٦٠﴾ ﴿٣٦١﴾ ﴿٣٦٢﴾ ﴿٣٦٣﴾ ﴿٣٦٤﴾ ﴿٣٦٥﴾ ﴿٣٦٦﴾ ﴿٣٦٧﴾ ﴿٣٦٨﴾ ﴿٣٦٩﴾ ﴿٣٧٠﴾ ﴿٣٧١﴾ ﴿٣٧٢﴾ ﴿٣٧٣﴾ ﴿٣٧٤﴾ ﴿٣٧٥﴾ ﴿٣٧٦﴾ ﴿٣٧٧﴾ ﴿٣٧٨﴾ ﴿٣٧٩﴾ ﴿٣٨٠﴾ ﴿٣٨١﴾ ﴿٣٨٢﴾ ﴿٣٨٣﴾ ﴿٣٨٤﴾ ﴿٣٨٥﴾ ﴿٣٨٦﴾ ﴿٣٨٧﴾ ﴿٣٨٨﴾ ﴿٣٨٩﴾ ﴿٣٩٠﴾ ﴿٣٩١﴾ ﴿٣٩٢﴾ ﴿٣٩٣﴾ ﴿٣٩٤﴾ ﴿٣٩٥﴾ ﴿٣٩٦﴾ ﴿٣٩٧﴾ ﴿٣٩٨﴾ ﴿٣٩٩﴾ ﴿٤٠٠﴾ ﴿٤٠١﴾ ﴿٤٠٢﴾ ﴿٤٠٣﴾ ﴿٤٠٤﴾ ﴿٤٠٥﴾ ﴿٤٠٦﴾ ﴿٤٠٧﴾ ﴿٤٠٨﴾ ﴿٤٠٩﴾ ﴿٤١٠﴾ ﴿٤١١﴾ ﴿٤١٢﴾ ﴿٤١٣﴾ ﴿٤١٤﴾ ﴿٤١٥﴾ ﴿٤١٦﴾ ﴿٤١٧﴾ ﴿٤١٨﴾ ﴿٤١٩﴾ ﴿٤٢٠﴾ ﴿٤٢١﴾ ﴿٤٢٢﴾ ﴿٤٢٣﴾ ﴿٤٢٤﴾ ﴿٤٢٥﴾ ﴿٤٢٦﴾ ﴿٤٢٧﴾ ﴿٤٢٨﴾ ﴿٤٢٩﴾ ﴿٤٣٠﴾ ﴿٤٣١﴾ ﴿٤٣٢﴾ ﴿٤٣٣﴾ ﴿٤٣٤﴾ ﴿٤٣٥﴾ ﴿٤٣٦﴾ ﴿٤٣٧﴾ ﴿٤٣٨﴾ ﴿٤٣٩﴾ ﴿٤٤٠﴾ ﴿٤٤١﴾ ﴿٤٤٢﴾ ﴿٤٤٣﴾ ﴿٤٤٤﴾ ﴿٤٤٥﴾ ﴿٤٤٦﴾ ﴿٤٤٧﴾ ﴿٤٤٨﴾ ﴿٤٤٩﴾ ﴿٤٥٠﴾ ﴿٤٥١﴾ ﴿٤٥٢﴾ ﴿٤٥٣﴾ ﴿٤٥٤﴾ ﴿٤٥٥﴾ ﴿٤٥٦﴾ ﴿٤٥٧﴾ ﴿٤٥٨﴾ ﴿٤٥٩﴾ ﴿٤٦٠﴾ ﴿٤٦١﴾ ﴿٤٦٢﴾ ﴿٤٦٣﴾ ﴿٤٦٤﴾ ﴿٤٦٥﴾ ﴿٤٦٦﴾ ﴿٤٦٧﴾ ﴿٤٦٨﴾ ﴿٤٦٩﴾ ﴿٤٧٠﴾ ﴿٤٧١﴾ ﴿٤٧٢﴾ ﴿٤٧٣﴾ ﴿٤٧٤﴾ ﴿٤٧٥﴾ ﴿٤٧٦﴾ ﴿٤٧٧﴾ ﴿٤٧٨﴾ ﴿٤٧٩﴾ ﴿٤٨٠﴾ ﴿٤٨١﴾ ﴿٤٨٢﴾ ﴿٤٨٣﴾ ﴿٤٨٤﴾ ﴿٤٨٥﴾ ﴿٤٨٦﴾ ﴿٤٨٧﴾ ﴿٤٨٨﴾ ﴿٤٨٩﴾ ﴿٤٩٠﴾ ﴿٤٩١﴾ ﴿٤٩٢﴾ ﴿٤٩٣﴾ ﴿٤٩٤﴾ ﴿٤٩٥﴾ ﴿٤٩٦﴾ ﴿٤٩٧﴾ ﴿٤٩٨﴾ ﴿٤٩٩﴾ ﴿٥٠٠﴾ ﴿٥٠١﴾ ﴿٥٠٢﴾ ﴿٥٠٣﴾ ﴿٥٠٤﴾ ﴿٥٠٥﴾ ﴿٥٠٦﴾ ﴿٥٠٧﴾ ﴿٥٠٨﴾ ﴿٥٠٩﴾ ﴿٥١٠﴾ ﴿٥١١﴾ ﴿٥١٢﴾ ﴿٥١٣﴾ ﴿٥١٤﴾ ﴿٥١٥﴾ ﴿٥١٦﴾ ﴿٥١٧﴾ ﴿٥١٨﴾ ﴿٥١٩﴾ ﴿٥٢٠﴾ ﴿٥٢١﴾ ﴿٥٢٢﴾ ﴿٥٢٣﴾ ﴿٥٢٤﴾ ﴿٥٢٥﴾ ﴿٥٢٦﴾ ﴿٥٢٧﴾ ﴿٥٢٨﴾ ﴿٥٢٩﴾ ﴿٥٣٠﴾ ﴿٥٣١﴾ ﴿٥٣٢﴾ ﴿٥٣٣﴾ ﴿٥٣٤﴾ ﴿٥٣٥﴾ ﴿٥٣٦﴾ ﴿٥٣٧﴾ ﴿٥٣٨﴾ ﴿٥٣٩﴾ ﴿٥٤٠﴾ ﴿٥٤١﴾ ﴿٥٤٢﴾ ﴿٥٤٣﴾ ﴿٥٤٤﴾ ﴿٥٤٥﴾ ﴿٥٤٦﴾ ﴿٥٤٧﴾ ﴿٥٤٨﴾ ﴿٥٤٩﴾ ﴿٥٥٠﴾ ﴿٥٥١﴾ ﴿٥٥٢﴾ ﴿٥٥٣﴾ ﴿٥٥٤﴾ ﴿٥٥٥﴾ ﴿٥٥٦﴾ ﴿٥٥٧﴾ ﴿٥٥٨﴾ ﴿٥٥٩﴾ ﴿٥٦٠﴾ ﴿٥٦١﴾ ﴿٥٦٢﴾ ﴿٥٦٣﴾ ﴿٥٦٤﴾ ﴿٥٦٥﴾ ﴿٥٦٦﴾ ﴿٥٦٧﴾ ﴿٥٦٨﴾ ﴿٥٦٩﴾ ﴿٥٧٠﴾ ﴿٥٧١﴾ ﴿٥٧٢﴾ ﴿٥٧٣﴾ ﴿٥٧٤﴾ ﴿٥٧٥﴾ ﴿٥٧٦﴾ ﴿٥٧٧﴾ ﴿٥٧٨﴾ ﴿٥٧٩﴾ ﴿٥٨٠﴾ ﴿٥٨١﴾ ﴿٥٨٢﴾ ﴿٥٨٣﴾ ﴿٥٨٤﴾ ﴿٥٨٥﴾ ﴿٥٨٦﴾ ﴿٥٨٧﴾ ﴿٥٨٨﴾ ﴿٥٨٩﴾ ﴿٥٩٠﴾ ﴿٥٩١﴾ ﴿٥٩٢﴾ ﴿٥٩٣﴾ ﴿٥٩٤﴾ ﴿٥٩٥﴾ ﴿٥٩٦﴾ ﴿٥٩٧﴾ ﴿٥٩٨﴾ ﴿٥٩٩﴾ ﴿٦٠٠﴾ ﴿٦٠١﴾ ﴿٦٠٢﴾ ﴿٦٠٣﴾ ﴿٦٠٤﴾ ﴿٦٠٥﴾ ﴿٦٠٦﴾ ﴿٦٠٧﴾ ﴿٦٠٨﴾ ﴿٦٠٩﴾ ﴿٦١٠﴾ ﴿٦١١﴾ ﴿٦١٢﴾ ﴿٦١٣﴾ ﴿٦١٤﴾ ﴿٦١٥﴾ ﴿٦١٦﴾ ﴿٦١٧﴾ ﴿٦١٨﴾ ﴿٦١٩﴾ ﴿٦٢٠﴾ ﴿٦٢١﴾ ﴿٦٢٢﴾ ﴿٦٢٣﴾ ﴿٦٢٤﴾ ﴿٦٢٥﴾ ﴿٦٢٦﴾ ﴿٦٢٧﴾ ﴿٦٢٨﴾ ﴿٦٢٩﴾ ﴿٦٣٠﴾ ﴿٦٣١﴾ ﴿٦٣٢﴾ ﴿٦٣٣﴾ ﴿٦٣٤﴾ ﴿٦٣٥﴾ ﴿٦٣٦﴾ ﴿٦٣٧﴾ ﴿٦٣٨﴾ ﴿٦٣٩﴾ ﴿٦٤٠﴾ ﴿٦٤١﴾ ﴿٦٤٢﴾ ﴿٦٤٣﴾ ﴿٦٤٤﴾ ﴿٦٤٥﴾ ﴿٦٤٦﴾ ﴿٦٤٧﴾ ﴿٦٤٨﴾ ﴿٦٤٩﴾ ﴿٦٥٠﴾ ﴿٦٥١﴾ ﴿٦٥٢﴾ ﴿٦٥٣﴾ ﴿٦٥٤﴾ ﴿٦٥٥﴾ ﴿٦٥٦﴾ ﴿٦٥٧﴾ ﴿٦٥٨﴾ ﴿٦٥٩﴾ ﴿٦٦٠﴾ ﴿٦٦١﴾ ﴿٦٦٢﴾ ﴿٦٦٣﴾ ﴿٦٦٤﴾ ﴿٦٦٥﴾ ﴿٦٦٦﴾ ﴿٦٦٧﴾ ﴿٦٦٨﴾ ﴿٦٦٩﴾ ﴿٦٧٠﴾ ﴿٦٧١﴾ ﴿٦٧٢﴾ ﴿٦٧٣﴾ ﴿٦٧٤﴾ ﴿٦٧٥﴾ ﴿٦٧٦﴾ ﴿٦٧٧﴾ ﴿٦٧٨﴾ ﴿٦٧٩﴾ ﴿٦٨٠﴾ ﴿٦٨١﴾ ﴿٦٨٢﴾ ﴿٦٨٣﴾ ﴿٦٨٤﴾ ﴿٦٨٥﴾ ﴿٦٨٦﴾ ﴿٦٨٧﴾ ﴿٦٨٨﴾ ﴿٦٨٩﴾ ﴿٦٩٠﴾ ﴿٦٩١﴾ ﴿٦٩٢﴾ ﴿٦٩٣﴾ ﴿٦٩٤﴾ ﴿٦٩٥﴾ ﴿٦٩٦﴾ ﴿٦٩٧﴾ ﴿٦٩٨﴾ ﴿٦٩٩﴾ ﴿٧٠٠﴾ ﴿٧٠١﴾ ﴿٧٠٢﴾ ﴿٧٠٣﴾ ﴿٧٠٤﴾ ﴿٧٠٥﴾ ﴿٧٠٦﴾ ﴿٧٠٧﴾ ﴿٧٠٨﴾ ﴿٧٠٩﴾ ﴿٧١٠﴾ ﴿٧١١﴾ ﴿٧١٢﴾ ﴿٧١٣﴾ ﴿٧١٤﴾ ﴿٧١٥﴾ ﴿٧١٦﴾ ﴿٧١٧﴾ ﴿٧١٨﴾ ﴿٧١٩﴾ ﴿٧٢٠﴾ ﴿٧٢١﴾ ﴿٧٢٢﴾ ﴿٧٢٣﴾ ﴿٧٢٤﴾ ﴿٧٢٥﴾ ﴿٧٢٦﴾ ﴿٧٢٧﴾ ﴿٧٢٨﴾ ﴿٧٢٩﴾ ﴿٧٣٠﴾ ﴿٧٣١﴾ ﴿٧٣٢﴾ ﴿٧٣٣﴾ ﴿٧٣٤﴾ ﴿٧٣٥﴾ ﴿٧٣٦﴾ ﴿٧٣٧﴾ ﴿٧٣٨﴾ ﴿٧٣٩﴾ ﴿٧٤٠﴾ ﴿٧٤١﴾ ﴿٧٤٢﴾ ﴿٧٤٣﴾ ﴿٧٤٤﴾ ﴿٧٤٥﴾ ﴿٧٤٦﴾ ﴿٧٤٧﴾ ﴿٧٤٨﴾ ﴿٧٤٩﴾ ﴿٧٥٠﴾ ﴿٧٥١﴾ ﴿٧٥٢﴾ ﴿٧٥٣﴾ ﴿٧٥٤﴾ ﴿٧٥٥﴾ ﴿٧٥٦﴾ ﴿٧٥٧﴾ ﴿٧٥٨﴾ ﴿٧٥٩﴾ ﴿٧٦٠﴾ ﴿٧٦١﴾ ﴿٧٦٢﴾ ﴿٧٦٣﴾ ﴿٧٦٤﴾ ﴿٧٦٥﴾ ﴿٧٦٦﴾ ﴿٧٦٧﴾ ﴿٧٦٨﴾ ﴿٧٦٩﴾ ﴿٧٧٠﴾ ﴿٧٧١﴾ ﴿٧٧٢﴾ ﴿٧٧٣﴾ ﴿٧٧٤﴾ ﴿٧٧٥﴾ ﴿٧٧٦﴾ ﴿٧٧٧﴾ ﴿٧٧٨﴾ ﴿٧٧٩﴾ ﴿٧٨٠﴾ ﴿٧٨١﴾ ﴿٧٨٢﴾ ﴿٧٨٣﴾ ﴿٧٨٤﴾ ﴿٧٨٥﴾ ﴿٧٨٦﴾ ﴿٧٨٧﴾ ﴿٧٨٨﴾ ﴿٧٨٩﴾ ﴿٧٩٠﴾ ﴿٧٩١﴾ ﴿٧٩٢﴾ ﴿٧٩٣﴾ ﴿٧٩٤﴾ ﴿٧٩٥﴾ ﴿٧٩٦﴾ ﴿٧٩٧﴾ ﴿٧٩٨﴾ ﴿٧٩٩﴾ ﴿٨٠٠﴾ ﴿٨٠١﴾ ﴿٨٠٢﴾ ﴿٨٠٣﴾ ﴿٨٠٤﴾ ﴿٨٠٥﴾ ﴿٨٠٦﴾ ﴿٨٠٧﴾ ﴿٨٠٨﴾ ﴿٨٠٩﴾ ﴿٨١٠﴾ ﴿٨١١﴾ ﴿٨١٢﴾ ﴿٨١٣﴾ ﴿٨١٤﴾ ﴿٨١٥﴾ ﴿٨١٦﴾ ﴿٨١٧﴾ ﴿٨١٨﴾ ﴿٨١٩﴾ ﴿٨٢٠﴾ ﴿٨٢١﴾ ﴿٨٢٢﴾ ﴿٨٢٣﴾ ﴿٨٢٤﴾ ﴿٨٢٥﴾ ﴿٨٢٦﴾ ﴿٨٢٧﴾ ﴿٨٢٨﴾ ﴿٨٢٩﴾ ﴿٨٣٠﴾ ﴿٨٣١﴾ ﴿٨٣٢﴾ ﴿٨٣٣﴾ ﴿٨٣٤﴾ ﴿٨٣٥﴾ ﴿٨٣٦﴾ ﴿٨٣٧﴾ ﴿٨٣٨﴾ ﴿٨٣٩﴾ ﴿٨٤٠﴾ ﴿٨٤١﴾ ﴿٨٤٢﴾ ﴿٨٤٣﴾ ﴿٨٤٤﴾ ﴿٨٤٥﴾ ﴿٨٤٦﴾ ﴿٨٤٧﴾ ﴿٨٤٨﴾ ﴿٨٤٩﴾ ﴿٨٥٠﴾ ﴿٨٥١﴾ ﴿٨٥٢﴾ ﴿٨٥٣﴾ ﴿٨٥٤﴾ ﴿٨٥٥﴾ ﴿٨٥٦﴾ ﴿٨٥٧﴾ ﴿٨٥٨﴾ ﴿٨٥٩﴾ ﴿٨٦٠﴾ ﴿٨٦١﴾ ﴿٨٦٢﴾ ﴿٨٦٣﴾ ﴿٨٦٤﴾ ﴿٨٦٥﴾ ﴿٨٦٦﴾ ﴿٨٦٧﴾ ﴿٨٦٨﴾ ﴿٨٦٩﴾ ﴿٨٧٠﴾ ﴿٨٧١﴾ ﴿٨٧٢﴾ ﴿٨٧٣﴾ ﴿٨٧٤﴾ ﴿٨٧٥﴾ ﴿٨٧٦﴾ ﴿٨٧٧﴾ ﴿٨٧٨﴾ ﴿٨٧٩﴾ ﴿٨٨٠﴾ ﴿٨٨١﴾ ﴿٨٨٢﴾ ﴿٨٨٣﴾ ﴿٨٨٤﴾ ﴿٨٨٥﴾ ﴿٨٨٦﴾ ﴿٨٨٧﴾ ﴿٨٨٨﴾ ﴿٨٨٩﴾ ﴿٨٩٠﴾ ﴿٨٩١﴾ ﴿٨٩٢﴾ ﴿٨٩٣﴾ ﴿٨٩٤﴾ ﴿٨٩٥﴾ ﴿٨٩٦﴾ ﴿٨٩٧﴾ ﴿٨٩٨﴾ ﴿٨٩٩﴾ ﴿٩٠٠﴾ ﴿٩٠١﴾ ﴿٩٠٢﴾ ﴿٩٠٣﴾ ﴿٩٠٤﴾ ﴿٩٠٥﴾ ﴿٩٠٦﴾ ﴿٩٠٧﴾ ﴿٩٠٨﴾ ﴿٩٠٩﴾ ﴿٩١٠﴾ ﴿٩١١﴾ ﴿٩١٢﴾ ﴿٩١٣﴾ ﴿٩١٤﴾ ﴿٩١٥﴾ ﴿٩١٦﴾ ﴿٩١٧﴾ ﴿٩١٨﴾ ﴿٩١٩﴾ ﴿٩٢٠﴾ ﴿٩٢١﴾ ﴿٩٢٢﴾ ﴿٩٢٣﴾ ﴿٩٢٤﴾ ﴿٩٢٥﴾ ﴿٩٢٦﴾ ﴿٩٢٧﴾ ﴿٩٢٨﴾ ﴿٩٢٩﴾ ﴿٩٣٠﴾ ﴿٩٣١﴾ ﴿٩٣٢﴾ ﴿٩٣٣﴾ ﴿٩٣٤﴾ ﴿٩٣٥﴾ ﴿٩٣٦﴾ ﴿٩٣٧﴾ ﴿٩٣٨﴾ ﴿٩٣٩﴾ ﴿٩٤٠﴾ ﴿٩٤١﴾ ﴿٩٤٢﴾ ﴿٩٤٣﴾ ﴿٩٤٤﴾ ﴿٩٤٥﴾ ﴿٩٤٦﴾ ﴿٩٤٧﴾ ﴿٩٤٨﴾ ﴿٩٤٩﴾ ﴿٩٥٠﴾ ﴿٩٥١﴾ ﴿٩٥٢﴾ ﴿٩٥٣﴾ ﴿٩٥٤﴾ ﴿٩٥٥﴾ ﴿٩٥٦﴾ ﴿٩٥٧﴾ ﴿٩٥٨﴾ ﴿٩٥٩﴾ ﴿٩٦٠﴾ ﴿٩٦١﴾ ﴿٩٦٢﴾ ﴿٩٦٣﴾ ﴿٩٦٤﴾ ﴿٩٦٥﴾ ﴿٩٦٦﴾ ﴿٩٦٧﴾ ﴿٩٦٨﴾ ﴿٩٦٩﴾ ﴿٩٧٠﴾ ﴿٩٧١﴾ ﴿٩٧٢﴾ ﴿٩٧٣﴾ ﴿٩٧٤﴾ ﴿٩٧٥﴾ ﴿٩٧٦﴾ ﴿٩٧٧﴾ ﴿٩٧٨﴾ ﴿٩٧٩﴾ ﴿٩٨٠﴾ ﴿٩٨١﴾ ﴿٩٨٢﴾ ﴿٩٨٣﴾ ﴿٩٨٤﴾ ﴿٩٨٥﴾ ﴿٩٨٦﴾ ﴿٩٨٧﴾ ﴿٩٨٨﴾ ﴿٩٨٩﴾ ﴿٩٩٠﴾ ﴿٩٩١﴾ ﴿٩٩٢﴾ ﴿٩٩٣﴾ ﴿٩٩٤﴾ ﴿٩٩٥﴾ ﴿٩٩٦﴾ ﴿٩٩٧﴾ ﴿٩٩٨﴾ ﴿٩٩٩﴾ ﴿١٠٠٠﴾ ﴿١٠٠١﴾ ﴿١٠٠٢﴾ ﴿١٠٠٣﴾ ﴿١٠٠٤﴾ ﴿١٠٠٥﴾ ﴿١٠٠٦﴾ ﴿١٠٠٧﴾ ﴿١٠٠٨﴾ ﴿١٠٠٩﴾ ﴿١٠١٠﴾ ﴿١٠١١﴾ ﴿١٠١٢﴾ ﴿١٠١٣﴾ ﴿١٠١٤﴾ ﴿١٠١٥﴾ ﴿١٠١٦﴾ ﴿١٠١٧﴾ ﴿١٠١٨﴾ ﴿١٠١٩﴾ ﴿١٠٢٠﴾ ﴿١٠٢١﴾ ﴿١٠٢٢﴾ ﴿١٠٢٣﴾ ﴿١٠٢٤﴾ ﴿١٠٢٥﴾ ﴿١٠٢٦﴾ ﴿١٠٢٧﴾ ﴿١٠٢٨﴾ ﴿١٠٢٩﴾ ﴿١٠٣٠﴾ ﴿١٠٣١﴾ ﴿١٠٣٢﴾ ﴿١٠٣٣﴾ ﴿١٠٣٤﴾ ﴿١٠٣٥﴾ ﴿١٠٣٦﴾ ﴿١٠٣٧﴾ ﴿١٠٣٨﴾ ﴿١٠٣٩﴾ ﴿١٠٤٠﴾ ﴿١٠٤١﴾ ﴿١٠٤٢﴾ ﴿١٠٤٣﴾ ﴿١٠٤٤﴾ ﴿١٠٤٥﴾ ﴿١٠٤٦﴾ ﴿١٠٤٧﴾ ﴿١٠٤٨﴾ ﴿١٠٤٩﴾ ﴿١٠٥٠﴾ ﴿١٠٥١﴾ ﴿١٠٥٢﴾ ﴿١٠٥٣﴾ ﴿١٠٥٤﴾ ﴿١٠٥٥﴾ ﴿١٠٥٦﴾ ﴿١٠٥٧﴾ ﴿١٠٥٨﴾ ﴿١٠٥٩﴾ ﴿١٠٦٠﴾ ﴿١٠٦١﴾ ﴿١٠٦٢﴾ ﴿١٠٦٣﴾ ﴿١٠٦٤﴾ ﴿١٠٦٥﴾ ﴿١٠٦٦﴾ ﴿١٠٦٧﴾ ﴿١٠٦٨﴾ ﴿١٠٦٩﴾ ﴿١٠٧٠﴾ ﴿١٠٧١﴾ ﴿١٠٧٢﴾ ﴿١٠٧٣﴾ ﴿١٠٧٤﴾ ﴿١٠٧٥﴾ ﴿١٠٧٦﴾ ﴿١٠٧٧﴾ ﴿١٠٧٨﴾ ﴿١٠٧٩﴾ ﴿١٠٨٠﴾ ﴿١٠٨١﴾ ﴿١٠٨٢﴾ ﴿١٠٨٣﴾ ﴿١٠٨٤﴾ ﴿١٠٨٥﴾ ﴿١٠٨٦﴾ ﴿١٠٨٧﴾ ﴿١٠٨٨﴾ ﴿١٠٨٩﴾ ﴿١٠٩٠﴾ ﴿١٠٩١﴾ ﴿١٠٩٢﴾ ﴿١٠٩٣﴾ ﴿١٠٩٤﴾ ﴿١٠٩٥﴾ ﴿١٠٩٦﴾ ﴿١٠٩٧﴾ ﴿١٠٩٨﴾ ﴿١٠٩٩﴾ ﴿١١٠٠﴾ ﴿١١٠١﴾ ﴿١١٠٢﴾ ﴿١١٠٣﴾ ﴿١١٠٤﴾ ﴿١١٠٥﴾ ﴿١١٠٦﴾ ﴿١١٠٧﴾ ﴿١١٠٨﴾ ﴿١١٠٩﴾ ﴿١١١٠﴾ ﴿١١١١﴾ ﴿١١١٢﴾ ﴿١١١٣﴾ ﴿١١١٤﴾ ﴿١١١٥﴾ ﴿١١١٦﴾ ﴿١١١٧﴾ ﴿١١١٨﴾ ﴿١١١٩﴾ ﴿١١٢٠﴾ ﴿١١٢١﴾ ﴿١١٢٢﴾ ﴿١١٢٣﴾ ﴿١١٢٤﴾ ﴿١١٢٥﴾ ﴿١١٢٦﴾ ﴿١١٢٧﴾ ﴿١١٢٨﴾ ﴿١١٢٩﴾ ﴿١١٣٠﴾ ﴿١١٣١﴾ ﴿١١٣٢﴾ ﴿١١٣٣﴾ ﴿١١٣٤﴾ ﴿١١٣٥﴾ ﴿١١٣٦﴾ ﴿١١٣٧﴾ ﴿١١٣٨﴾ ﴿١١٣٩﴾ ﴿١١٤٠﴾ ﴿١١٤١﴾ ﴿١١٤٢﴾ ﴿١١٤٣﴾ ﴿١١٤٤﴾ ﴿١١٤٥﴾ ﴿١١٤٦﴾ ﴿١١٤٧﴾ ﴿١١٤٨﴾ ﴿١١٤٩﴾ ﴿١١٥٠﴾ ﴿١١٥١﴾ ﴿١١٥٢﴾ ﴿١١٥٣﴾ ﴿١١٥٤﴾ ﴿١١٥٥﴾ ﴿١١٥٦﴾ ﴿١١٥٧﴾ ﴿١١٥٨﴾ ﴿١١٥٩﴾ ﴿١١٦٠﴾ ﴿١١٦١﴾ ﴿١١٦٢﴾ ﴿١١٦٣﴾ ﴿١١٦٤﴾ ﴿١١٦٥﴾ ﴿١١٦٦﴾ ﴿١١٦٧﴾ ﴿١١٦٨﴾ ﴿١١٦٩﴾ ﴿١١٧٠﴾ ﴿١١٧١﴾ ﴿١١٧٢﴾ ﴿١١٧٣﴾ ﴿١١٧٤﴾ ﴿١١٧٥﴾ ﴿١١٧٦﴾ ﴿١١٧٧﴾ ﴿١١٧٨﴾ ﴿١١٧٩﴾ ﴿١١٨٠﴾ ﴿١١٨١﴾ ﴿١١٨٢﴾ ﴿١١٨٣﴾ ﴿١١٨٤﴾ ﴿١١٨٥﴾ ﴿١١٨٦﴾ ﴿١١٨٧﴾ ﴿١١٨٨﴾ ﴿١١٨٩﴾ ﴿١١٩٠﴾ ﴿١١٩١﴾ ﴿١١٩٢﴾ ﴿١١٩٣﴾ ﴿١١٩٤﴾ ﴿١١٩٥﴾ ﴿١١٩٦﴾ ﴿١١٩٧﴾ ﴿١١٩٨﴾ ﴿١١٩٩﴾ ﴿١٢٠٠﴾ ﴿١٢٠١﴾ ﴿١٢٠٢﴾ ﴿١٢٠٣﴾ ﴿١٢٠٤﴾ ﴿١٢٠٥﴾ ﴿١٢٠٦﴾ ﴿١٢٠٧﴾ ﴿١٢٠٨﴾ ﴿١٢٠٩﴾ ﴿١٢١٠﴾ ﴿١٢١١﴾ ﴿١٢١٢﴾ ﴿١٢١٣﴾ ﴿١٢١٤﴾ ﴿١٢١٥﴾ ﴿١٢١٦﴾ ﴿١٢١٧﴾ ﴿١٢١٨﴾ ﴿١٢١٩﴾ ﴿١٢٢٠﴾ ﴿١٢٢١﴾ ﴿١٢٢٢﴾ ﴿١٢٢٣﴾ ﴿١٢٢٤﴾ ﴿١٢٢٥﴾ ﴿١٢٢٦﴾ ﴿١٢٢٧﴾ ﴿١٢٢٨﴾ ﴿١٢٢٩﴾ ﴿١٢٣٠﴾ ﴿١٢٣١﴾ ﴿١٢٣٢﴾ ﴿١٢٣٣﴾ ﴿١٢٣٤﴾ ﴿١٢٣٥﴾ ﴿١٢٣٦﴾ ﴿١٢٣٧﴾ ﴿١٢٣٨﴾ ﴿١٢٣٩﴾ ﴿١٢٤٠﴾ ﴿١٢٤١﴾ ﴿١٢٤٢﴾ ﴿١٢٤٣﴾ ﴿١٢٤٤﴾ ﴿١٢٤٥﴾ ﴿١٢٤٦﴾ ﴿١٢٤٧﴾ ﴿١٢٤٨﴾ ﴿١٢٤٩﴾ ﴿١٢٥٠﴾ ﴿١٢٥١﴾ ﴿١٢٥٢﴾ ﴿١٢٥٣﴾ ﴿١٢٥٤﴾ ﴿١٢٥٥﴾ ﴿١٢٥٦﴾ ﴿١٢٥٧﴾ ﴿١٢٥٨﴾ ﴿١٢٥٩﴾ ﴿١٢٦٠﴾ ﴿١٢٦١﴾ ﴿١٢٦٢﴾ ﴿١٢٦٣﴾ ﴿١٢٦٤﴾ ﴿١٢٦٥﴾ ﴿١٢٦٦﴾ ﴿١٢٦٧﴾ ﴿١٢٦٨﴾ ﴿١٢٦٩﴾ ﴿١٢٧٠﴾ ﴿١٢٧١﴾ ﴿١٢٧٢﴾ ﴿١٢٧٣﴾ ﴿١٢٧٤﴾ ﴿١٢٧٥﴾ ﴿١٢٧٦﴾ ﴿١٢٧٧﴾ ﴿١٢٧٨﴾ ﴿١٢٧٩﴾ ﴿١٢٨٠﴾ ﴿١٢٨١﴾ ﴿١٢٨٢﴾ ﴿١٢٨٣﴾ ﴿١٢٨٤﴾ ﴿١٢٨٥﴾ ﴿١٢٨٦﴾ ﴿١٢٨٧﴾ ﴿١٢٨٨﴾ ﴿١٢٨٩﴾ ﴿١٢٩٠﴾ ﴿١٢٩١﴾ ﴿١٢٩٢﴾ ﴿١٢٩٣﴾ ﴿١٢٩٤﴾ ﴿١٢٩٥﴾ ﴿١٢٩٦﴾ ﴿١٢٩٧﴾ ﴿١٢٩٨﴾ ﴿١٢٩٩﴾ ﴿١٣٠٠﴾ ﴿١٣٠١﴾ ﴿١٣٠٢﴾ ﴿١٣٠٣﴾ ﴿١٣٠٤﴾ ﴿١٣٠٥﴾ ﴿١٣٠٦﴾ ﴿١٣٠٧﴾ ﴿١٣٠٨﴾ ﴿١٣٠٩﴾ ﴿١٣١٠﴾ ﴿١٣١١﴾ ﴿١٣١٢﴾ ﴿١٣١٣﴾ ﴿١٣١٤﴾ ﴿١٣١٥﴾ ﴿١٣١٦﴾ ﴿١٣١٧﴾ ﴿١٣١٨﴾ ﴿١٣١٩﴾ ﴿١٣٢٠﴾ ﴿١٣٢١﴾ ﴿١٣٢٢﴾ ﴿١٣٢٣﴾ ﴿١٣٢٤﴾ ﴿١٣٢٥﴾ ﴿١٣٢٦﴾ ﴿١٣٢٧﴾ ﴿١٣٢٨﴾ ﴿١٣٢٩﴾ ﴿١٣٣٠﴾ ﴿١٣٣١﴾ ﴿١٣٣٢﴾ ﴿١٣٣٣﴾ ﴿١٣٣٤﴾ ﴿١٣٣٥﴾ ﴿١٣٣٦﴾ ﴿١٣٣٧﴾ ﴿١٣٣٨﴾ ﴿١٣٣٩﴾ ﴿١٣٤٠﴾ ﴿١٣٤١﴾ ﴿١٣٤٢﴾ ﴿١٣٤٣﴾ ﴿١٣٤٤﴾ ﴿١٣٤٥﴾ ﴿١٣٤٦﴾ ﴿١٣٤٧﴾ ﴿١٣٤٨﴾ ﴿١٣٤٩﴾ ﴿١٣٥٠﴾ ﴿١٣٥١﴾ ﴿١٣٥٢﴾ ﴿١٣٥٣﴾ ﴿١٣٥٤﴾ ﴿١٣٥٥﴾ ﴿١٣٥٦﴾ ﴿١٣٥٧﴾ ﴿١٣٥٨﴾ ﴿١٣٥٩﴾ ﴿١٣٦٠﴾ ﴿١٣٦١﴾ ﴿١٣٦٢﴾ ﴿١٣٦٣﴾ ﴿١٣٦٤﴾ ﴿١٣٦٥﴾ ﴿١٣٦٦﴾ ﴿١٣٦٧﴾ ﴿١٣٦٨﴾ ﴿١٣٦٩﴾ ﴿١٣٧٠﴾ ﴿١٣٧١﴾ ﴿١٣٧٢﴾ ﴿١٣٧٣﴾ ﴿١٣٧٤﴾ ﴿١٣٧٥﴾ ﴿١٣٧٦﴾ ﴿١٣٧٧﴾ ﴿١٣٧٨﴾ ﴿١٣٧٩﴾ ﴿١٣٨٠﴾ ﴿١

(روز مبارزه فرا رسید. ساحران) گفتند: «ای موسی! یا تو (وسایل سحر را) بیفکن، یا ما می‌افکنیم!» (۱۱۵) گفت: «شما بیفکنید!» و هنگامی (که وسایل سحر خود را) افکندند، مردم را چشم‌بندی کردند و ترساندند؛ و سحر عظیمی پدید آوردند. (۱۱۶) (ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن!» ناگهان (بصورت مار عظیمی در آمد که) وسایل دروغین آنها را بسرعت برمی‌گرفت. (۱۱۷))

(۶) در جنگ بدر که میان ۳۱۳ نفر از مسلمانان و ۹۰۰ تن از کاروانیان قریش در گرفت حضرت علی (ع) توانست بر دشمن غلبه یابد و حریفان خود را نظیر عتبه پدر بزرگ معاویه، ولید دایی معاویه و حنظلہ برادر معاویه را از پای در آورد. حضور شجاعانه حضرت علی (ع) در نبرد بدر باعث شد اسلام در اولین درگیری رسمی و خونین خود با مخالفان جدی و سرسختش سربلند و سرافراز بماند.

(۷) جنگ حنین میان طایفه بزرگ هوازن و دوازده هزار تن از مسلمانان مکه در سرزمین حنین در گرفت. در اواسط این جنگ، برخی از مسلمانان گریختند اما با این وجود در این جنگ مسلمانان پیروز شدند و عده‌ای از سپاه دشمن، کشته و اسیر شده و اموالشان به غنیمت به دست مسلمانان افتاد.

(۸) در تفسیر المیزان درباره سدره المنتهی چنین آمده است: و اما اینکه این درخت سدره چه درختی است؟ در کلام خدای تعالی چیزی که تفسیرش کرده باشد نیافتیم و مثل اینکه بنای خدای تعالی در اینجا بر این است که به‌طور مبهم و با اشاره سخن بگوید... در روایات هم تفسیر شده به درختی که فوق آسمان هفتم قرار دارد و اعمال بندگان خدا تا آنجا بالا می‌رود (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۱۹: ۴۹)

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۳۸۵). گردآوری سید شریف رضی. ترجمه محمد دشتی. چاپ سوّم، تهران: پیام عدالت.

ابن کثیر، ابوالفداء (۱۹۸۶). البداية والتهایة. المجلد الخامسة. بیروت: دار الفکر.

اکبری، محمدرضا (۱۳۸۹). همای رحمت (سیمای امیرالمؤمنین). چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

امیری، هنگامه (۱۳۸۹). مروری بر شعرای معاصر عرب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

امینی نجفی، عبدالحسین (۱۹۶۷). الغدير في الكتاب والسنة والأدب. المجلد الأول والعشرون. الطبعة الثالثة، بیروت: دار الكتاب العربي.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۶). انساب الأشراف. المجلد الثاني. الطبعة الأولى، بیروت: دار الفکر.

پیشوایی، مهدی (۱۳۹۰). سیره پیشوایان (نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم). با مقدمه

آیت‌الله العظمی سبحانی). چاپ بیست و چهارم، قم: مؤسسه امام صادق.

جمعی از نویسندگان (۱۹۹۵). معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين. المجلد الأول. بی‌جا: مؤسسه جائزة عبدالعزيز سعود البابطين للإبداع الشعري.

حسنی، حمید (۱۳۸۳). عروض و قافیه عربی. چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.

حمیری معافری، عبدالملک بن هشام (بی‌تا). *السیرة النبویة*. به کوشش مصطفی سقا، ابراهیم ایباری و عبدالحفیظ شلی. المجلد الأول. بیروت: دار المعرفة.

الدّهی، شمس الدّین محمد بن أحمد (۱۹۹۳). *تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر والأعلام*. المجلد الثالث. الطّبعة الثانية، بیروت: دار الكتاب العربي.

رنجبر، احمد (۱۳۵۵). *گزیده اشعار ادیب الممالک فراهانی «امیر الشعراء»*. با مقدمه و شرح لغات و ترکیبات و معنی اشعار. چاپ اول، تهران: زوار.

سائل، فرید (۱۳۹۳). *اشک قلم (نگاهی به مظلومیت امیرالمؤمنین در کتب اهل سنت)*. چاپ پنجم. ناشر: مؤلف.

شامی، احمد بن محمد (۱۴۲۹). *دیوان الشّامی الأعمال الكاملة*. المجلد الأول. الطّبعة الثانية، جده: عبدالمقصود محمد سعید خوجه.

شفیعی شاهرودی، محمدحسن (۱۴۲۸). *داستان غدیر خم*. چاپ پنجم، قم: قلم مکنون.

طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. جلد ۱۹. بیروت: اعلمی.

طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷). *تاریخ الأمم والملوک*. به کوشش محمدأبوالفضل ابراهیم. المجلد الثاني. الطّبعة الثانية، بیروت: دار التراث.

فراهانی، ادیب الممالک (۱۳۱۲). *دیوان ادیب الممالک فراهانی*. تهران: فردوسی.

قاسمی، فرید (۱۳۸۶). *محمدصادق حسینی (ادیب الممالک فراهانی)*. چاپ اول، تهران: امیر کبیر.

مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الأنوار*. به کوشش سید جواد علومی و محمد آخوندی. المجلد السابع والثلاثون. تهران: دار الکتب الإسلامية.

مدرسی، حسین (۱۳۸۴). *فرهنگ کاربرد دی اوزان شعر فارسی*. چاپ اول، تهران: سمت.

الموسوعة العالمية للشّعر العربي: www.adab.com/literature/modules.php?name=Sh3er&doWhat.

موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۴). *زندگی و شعر ادیب الممالک فراهانی*. جلد ۱. چاپ اول، تهران: قدیانی.

نظری، مجید (۱۳۸۹). *اندیشه دینی در شعر دوره مشروطه*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنة التاسعة، العدد ٢ (٣٤)، صيف ١٤٤٠، صص. ١٢٥-١٤٦

تصوير واقعة الغدير في أشعار أحمد محمد الشامي وأديب الممالك الفراهاني

معصومه نعمتي قزويني^١

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، معهد العلوم الإنسانية والدراسات الثقافية، طهران، إيران

ليلا جديدي^٢

ماجستير في فرع اللغة العربية وآدابها، معهد العلوم الإنسانية والدراسات الثقافية، طهران، إيران

القبول: ١٤٤٠/٩/١٢

الوصول: ١٤٤٠/٦/١٣

الملخص

التعبير عن الأحداث التاريخية الهامة خاصة الوقائع الدينية هي من المحاور التي يهتم بها الشعراء المسلمون. فواقعة الغدير من أهم هذه الأحداث التاريخية والدينية التي عبر عنها الشعراء المعاصرون في أشعارهم. بناءً على هذا قامت هذه المقالة بقراءة ما ينعكس من أبعاد واقعة الغدير وجوانب من سيرة الإمام علي (ع) من خلال أشعار شاعرين العربي والفارسي أي أحمد محمد الشامي وأديب الممالك الفراهاني تعبيراً عن موقفهما أمام هذه القضية الهامة. فمنجزات هذا البحث الذي تم في إطار المدرسة الإمبريكية من الأدب المقارن ومن خلال المنهج الوصفي - التحليلي تدلّ على أنّ الشاعرين قدما قصيدتيهما حول الغدير إلى ملوك عصرهما مشيراً إلى بعض الأحداث الهامة في عصر الإمام علي (ع). وكانت غايتيهما من هذا الأمر التأكيد على ضرورة اهتمام الملوك بالجوانب السياسية من حياة الإمام علي (ع). كما تشير النتائج إلى بعض وجوه الشبه والخلاف في شعر الشاعرين؛ فمن أهم أوجه الشبه في قصيدتين بدتاهما بالمقدمة الغزلية والتضمنين بالآيات والأحاديث كما أنّ الفرق بينهما هو اهتمام الشامي إلى شخصية الإمام علي (ع) وأوصافه والوقائع التي جرت قبل واقعة الغدير وبعدها في حين أنه لم يهتم بالوصف الدقيق للواقعة؛ ولكن كان أديب الممالك أكثر اهتماماً بالتصوير الدقيق لواقعة الغدير وأقلّ اهتماماً بوصف ماسواها.

المفردات الرئيسية: الأدب المقارن، الشعر الملتزم، الغدير، أحمد محمد الشامي، أديب الممالك الفراهاني.